

نظر ما، درباره چگونه انتخابات

تدارکات جنگی و حضور نظامی امپریالیسم امریکا در منطقه خلیج فارس همچنان گسترش مییابد



ازگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۷۹
پنجشنبه ۹ اسفندماه ۱۳۵۸ - شماره ۱۵۱۵

نیروی یک هزار و هشتصد نفری تفنگداران دریایی آمریکا روز دوشنبه ۶ اسفند، پیش از عزیمت بسوی دریای عمان، آخرین آموزشهای جنگی خود را انجام داد.

طبق اظهارات مقامات مسئول نیروی دریایی آمریکا، این واحدهای دریایی و زمینی، ظرف ۲۴ ساعت با چهار نوار جنگی رهسپار دریای عمان میشوند.

علاوه بر این، طبق خبری که در هفته نامه نیوزویک انتشار یافته، واشنگتن به منظور تقویت تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی خود در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند به اقدامات تازه‌ای دست زده است. هم‌اکنون در پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) طرح‌های جدیدی مورد بررسی است. طبق این طرح‌ها چهار نوار جنگی بنامهای ایوا، ویسکانسین، میسوری و نیوجرسی جهت اعزام به ناحیه اقیانوس هند آماده میشوند. سخنگوی وزارت دفاع ضمن اعلام این برنامه اظهار داشت که هر یک از این نوارهای جنگی تجهیزاتی برابر بقیه در صفحه ۲

بهترین شکل انجام انتخابات در راستای انقلاب

رابطه اتحادیه‌ها و سازندگی کشور با انتخابات

قانون انتخابات موجود غیر عادلانه و تبعیض آفرین است

گروه نیرومندی را صاحب امتیازی مطلق میگرداند، به احزاب و جمعیت‌های سیاسی مختلف امکان نمیدهد که هر یک، متناسب با اعتبار و نفوذ خود، در مجلس نماینده داشته باشند و بطور سازنده و خلاقانه امر توسعه کشور و خدمت به زحمتکشان و تأمین استقلال، آزادی، وحدت ملی و تمامیت ارضی همچنان که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید میکند شرکت نمایند.

نیروهای مختلفی در انقلاب شرکت کرده و در پیشبرد انقلاب ذمعه‌اند. ولی قانون انتخابات موجود با آنها امکان نمیدهد که در مجلس نمایندگان به تبادل نظر بپردازند و به شور بنشینند و انتقادهای پیشنهادها و راه‌حلهای خود را عرضه کنند و هر یک سهم خود را در جهاد سازندگی عظیمی که ایران بدان نیاز دارد، ایفا نمایند.

قشرها و نیروها و گرایشهای انقلابی مختلفی در خط امام حرکت میکنند، خطی که مظهر پیشبرد انقلاب ماست، ولی قانون بقیه در صفحه ۷

در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی قرار داریم. کشور ما لحظات حساسی را میگذراند. آنچه این روزها بنامشود، عمارتی خواهد شد که سه سر نوشت انقلاب و راه آینده کشور ما تا میزان زیادی با آن در ارتباط خواهد بود. این است که آیا همبستگی و وحدت کلیه نیروهای انقلابی صرف نظر از مسلکها و عقاید آنها، در جهت تحکیم انقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی ایران و نیل به هدفهای انقلاب تأمین خواهد شد یا نه؟

جریان انتخابات مجلس با این مسئله عمده انقلاب پیوند نزدیک دارد. ولی قانون انتخابات مجلس شورای ملی هیچ وجه زمینه را برای یک چنین وحدت و تأمین همکاری و تشکیک‌ساز نیروهای مختلف انقلابی و مترقی فراهم نمیسازد. این قانون که حزب یا

دهها هزار نفر از کارگران علیه امپریالیسم امریکا راه پیمایی کردند

طبقه کارگر دشمن بزرگ امپریالیسم امریکا

شمار یکی از پلاکاردهای کارگران: نابود باد امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن: ارتجاع، لیبرالیسم



در ابتدای سخنانش از طرف دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی از کارگران تشکر کرد. سپس در ادامه سخن گفت: «رای ما اجتماع کارگران در مقابل لانه جاسوسی برای پشتیبانی از عمل انقلابی دانشجویان مرفوق خاصی دارد. تمام افراد ملت، تمام آنها که در این انقلاب اسلامی بنحوی شرکت داشتند، از اقدام انقلابی دانشجویان حمایت کردند. امام حمایت کرد و ملت هم حمایت کرد. بنابراین برای دانشجویان مسلمان مخالفت کسانی که در هر کجا نمی‌توانند با این انقلاب هم‌آهنگی کنند، مسئله‌ای نیست.»

پس از سخنرانی حجت‌الاسلام خویشی، قلمنامه کارگران قرائت شد: در این قلمنامه از جمله آمده است: «ما با ابراز انزجار شدید خویش از امپریالیسم جهانی آمریکا، خواستار قطع تمام وابستگیهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی با این جهانی‌خواه بی‌رحم می‌باشیم.»

«ما خواستار آیم که آقای رئیس‌جمهور و کلیه مسئولین همواره رهنمودهای امام را بخصوص در پیام انقلابی ۲۳ بهمن، بقیه در صفحه ۲

روز گذشته بنا بدعوت ستاد برگزاری راهپیمایی شوراهای اسلامی کارگران، راهپیمایی کارگران قهرمان، علیه امپریالیسم آمریکا و سازشکاران برگزار شد.

در این راهپیمایی گروه کثیری از کارگران قهرمان ایران شرکت کردند. کارگران آمده بودند تا نهایت نفرت و انزجار خود را از امپریالیسم آمریکا بیان کنند.

در ابتدای صف راهپیمایان دو پلاکارد بزرگ، که از طرف ستاد راهپیمایی تهیه شده بود، جلب توجه می‌کرد. بر روی پلاکاردها نوشته شده بود:

- وحدت، شهادت، شورا
- ما کارگران ایرانیم، علیه امپریالیسم، آماده قیامیم
- شمارهایشان خیابانها را به لرزه انداخته بود. خشم و نفرتشان به‌بایان بود. فریادشان را هر چه سبک‌ترین و پیر خروشنتر بر سر آمریکا می‌کشیدند:
- آمریکا، آمریکا دشمن خلق مانی
- آمریکا، آمریکا این آخرین پیام است.
- ارتش ۴۰ میلیونی آماده قیام است.
- مرگ بر آمریکا، مرگ بر سازشکار.
- در صف به‌بایان کارگران، انبوه پلاکاردها بیانگر خواست‌هایشان بود:
- طبقه کارگر باید در اداره امور واحدهای تولیدی شرکت کند.
- قانون جدید کار باید نیازهای زحمتکشان را جویبار کند.
- نابود باد امپریالیسم آمریکا و عمال داخلی آن: ارتجاع، لیبرالیسم
- گروه صنعتی (را)
- گروه‌ها، از کارخانه‌های مختلف، در صف عظیم به سوی لانه جاسوسی در حرکت بودند. هر یک شماری می‌دادند: گروه فریاد می‌زد:
- مرگ بر آمریکا، مرگ بر سازشکار
- گروه دیگر شعار می‌داد:
- سادات جنایت می‌کند کارگر حمایت می‌کند
- در میان شمارها، صداها در هم می‌آمیخت. ناگاه شماری همه را در بر می‌گرفت. خروش عظیمی بیا می‌شد. همه یکصدا فریاد می‌زدند:

«مرگ بر آمریکا!»

کارگران در مقابل لانه جاسوسی به یکدیگر پیوستند، با یکدیگر شعار دادند و صدایشان را به گوش همه رساندند. گویی می‌خواستند با شعارهایشان قدرتش را به رخ آمریکا بکشند. بی‌وقفه شمارها را تار آمریکا می‌کردند، وجودشان آکنده از نفرت به آمریکا بود. هر کلامشان، هر سخنشان خشم از آمریکا بود.

«کارگر پیروز است آمریکا نابود است»

«نه سازش، نه تسلیم لبرد با آمریکا»

پس از رسیدن به مقابل لانه جاسوسی و بیان چند شعار، سرودی از طرف دانشجویان مستقر در لانه جاسوسی برای کارگران پخش شد.

پس از آن حجت‌الاسلام موسوی خویشی سخنرانی کرد. وی

در ۸ صفحه امروز

کارگران را دریابید!

۷ سامورایی: سرود حماسی کوروساوا

هشدار به دانش آموزان

آقای والد هاجیم دبیر کل سازمان ملل است یا کارگزار کارتر؟

برنامه نامزد های حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورایی ملی برای آموزش و پرورش

یکشنبه‌ها: «مردم» بزبان کردی

موظفان کرد مقیم تهران میتوانند روزنامه مردم بزبان کردی را، که روزهای یکشنبه منتشر میشود، از کویسکهای مختلف تهران دریافت دارند.

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

درباره حوادث ترکمن صحرا

قتل فجیع گروهی که ابتدا بنا به اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق، چهار تن از اعضاء این سازمان بنامهای محمد درخشنده، توماج، عبدالحکیم مختوم، طواق واحدی وحسین جرجانی و سپس بنا به اطلاعیه «فدائیان ترکمن پیروشی مسلحانه»، هفت تن بنامهای مقتولین نامبرده باضافه محمد محمدی، قلی قلجانی و نورمحمد اوق معرفی شدند، به سورت معمای جنایتی درآمده است.

گروهی که خود را «فدائیان ترکمن پیروشی مسلحانه» نام نهاده، طی اطلاعیه هائی (روزنامه کیهان ۷ اسفندماه) اعتراف به قتل مقتولین کرده و نیز اطلاع داده است که افراد دیگری را در «گروگان» داده، که در معرض خطر می‌کند.

ولی این اطلاعیه‌ها هنوز هیچ چیز را روشن نمیکند. این گروه «فدائیان ترکمن پیروشی مسلحانه» کیانند؟ چگونه و یکمک چه کسانی آنها توانسته‌اند قربانیان خود را بچنگ آورند و زیر عنوان «سازشکاری» با «هیات حاکمه» و «همکاری با اعضاء حزب توده ایران» به قتل برسانند؟ چگونه افراد دیگری به اسارت آنها در آمده‌اند؟

ما با قاطعیت خواستار کشف، دستگیری و محاکمه و مجازات مسببین و عاملین این جنایات فجیع هستیم، قطع نظر از اینکه زیر چه نامی و بیانه‌ای مرتکب آن شده‌اند. برای اینکه مایشهاد میکنیم که کمیسیون ویژه‌ای از طرف ریاست جمهوری و شورای انقلاب بنفویت تشکیل گردد. در داین کمیسیون نمایندگان از احزاب و سازمانهای سیاسی شرکت داشته باشند تا کار کمیسیون و نتیجه آن مصون از هر گونه انتقاد و شایعه و شبهه نگردد. حزب توده ایران آماده است که در این کمیسیون ویژه شرکت کند. ضمناً ما بجا میدانیم مراتب زیر را اعلام داریم:

(۱) ریشه حوادث اسفناک خونین گنبد کاووس و ترکمن صحرا در وجود مالکیت فئودالی و بزرگ مالکی است. برای پیشگیری از تکرار این حوادث، باید اصلاحات ارضی بنیادی بر مبنای لغو کامل فئودالیسم و بزرگ مالکی بود زحمتکشان روستا به نفویت و با قاطعیت انجام گیرد.

(۲) ریشه این حوادث همچنین در وجود ستم ملی و تبعیض نسبت به خلق ترکمن است، که از رژیم منحوس و ستمگشا مخلوع پارت مانده است. این ستم ملی و تبعیضات باید در تمام ابعاد آن بارشته اقداماتی در کلیه شئون زندگی دفع گردد و نیز اقدامات همه جانبه و موثری در جهت ارتقاء سطح زندگی مادی و معنوی زحمتکشان و خلق ترکمن انجام گیرد.

(۳) ریشه این حوادث را همچنین در فساد تکرری سرمایه‌داران بزرگ، سفته‌بازان و دلالان باید جستجو کرد که زالوصفانه خون زحمتکشان را می‌کشد. باید دست این فسادگران را نیز به نفویت و قاطعیت کوتاه کرد و تا پس جدی و عاجل برای حل مشکلات زحمتکشان و محرومان و تأمین رفاه مادی و معنوی آنان اتخاذ کرد.

(۴) ناراضی ناشی از مالکیت فئودالی و بزرگ مالکی، ستم ملی و تبعیض نسبت به خلق ترکمن، فساد تکرری سرمایه‌داران بزرگ و وابستگان آنها زمین‌دارا برای سوه استفاده خونین ضد انقلاب و اعمال خشونت آمیز نیروهای چپ‌نما و چپ‌پرو فراهم کرده است. ضد انقلاب را باید شناسائی و سرکوب کرد و عمل خشونت آمیز نیروهای چپ‌نما و چپ‌پرو را با برکندن ریشه‌های ناراضی عقیم نمود.

بقیه در صفحه ۲

نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورایی ملی مدافع استقلال، آزادی و منافع زحمتکشانند

دهها هزار نفر از کارگران علیه امپریالیسم امریکا راهپیمائی کردند



که بحق می‌توان به آن «مشهور انقلاب» نام نهاد، در سیاستهای داخلی و خارجی و روشهای اجرایی با قاطعیت مورد توجه قرار داده و بکار گیرند.

ما قاطعانه خواستار استرداد شاه جنایتکار و اموال بگارتد رفته این ملت مظلوم می‌باشیم.

ما ضمن حمایت مجدد از اقدام انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، خواستار ادامه سریع‌افزای سازشکاران و جاسوسان ضد مردمی توسط آنان می‌باشیم.

ما خواستار ملی‌شدن کلیه سرمایه‌ها و سودهای حاصل از غارت سرمایه‌داری وابسته و غارتگر و فراری و برنامه‌ریزی بظهور معی سرمایه‌داری بفتح مستضعفین و ایجاد نظام اقتصادی مبتنی بر قسط اسلامی هستیم.

ما خواستار گسترش و حمایت همه‌جانبه از شوراهای بنیادین حضور دائمی مردم در تعیین سرنوشت خویش بوده، بخصوص قاطعانه خواستاریم که شوراهای اسلامی کارگران در کلیه امور کارخانه مستقیماً دخالت و کنترل داشته و سازشکاران را از صفوف خود طرد نمایند.

ما خواستار ایجاد و گسترش صنعت مادر و رشد صنعت ملی در ارتباط با آن برای رهاشدن از قید صنایع وابسته و مونتاژ و برنامه‌ریزی قاطع برای حل مشکل بیکاری در سطح کشور می‌باشیم.

ما خواستار شرکت‌دادن نمایندگان منتخب کارگران در تمام ارگانهای تصمیم‌گیری راجع به کارگران، بخصوص در تنظیم قانون جدید کار، و لغو قوانین ضد کارگری و رفع تبعیض بین کارگران و کارمندان بدون دخالت سرمایه‌داران و سازشکاران می‌باشیم.

ما قاطعانه خواستار حل دقیق مسئله زمین بفتح کشاورزان می‌باشیم تا دست زمینداران بزرگ وابسته بکلی از کشاورزی ایران قطع گردیده و با برنامه‌ریزی دقیق و کمکی لازم کشاورزی ایران به رشد و شکوفائی شایسته خود برسد.

ما از مسئولین سیاسی جمهوری اسلامی ایران، که تاکنون نسبت به مطرح کردن کارگران و شوراها کمال بی‌اعتنائی را نموده‌اند، قاطعانه خواستاریم با بی‌نظری و بدون انحصارطلبی مشکلات و خواستههای ما را در برنامه مستقر تلویزیونی مطرح نمایند.

ما پشتیبانی قاطع خود را از تمام جنبش‌های رهاکننده یمنی مسلمانان و مظلومین جهان بخصوص جنبش آزادیبخش فلسطین اعلام داشته و در این روز که مقارن با مبارزه سفير بين سادات خان و اسرائيل غاصب است، این توطئه ننگین آمريکائی را بشدت محکوم ميکنيم.

پس از قرائت طعنامه، کارگران با شعار «مرگ بر آمریکا» متفرق شدند.

جنبش انقلابی جامعه، از طرف هر کس باشد، قویاً محکوم می‌گردد. (۶) آوردن نام حزب توده ایران در رابطه با حوادث خونین کبک کورس و ترکمن صحرا، که در آن حزب توده ایران کمترین دخالتی نداشته و ندارد، بهر بهانه‌ای عنوان کرد و از طرف هر کس باشد، توطئه و تحریکی علیه حزب توده ایران است، که ما آنرا بشدت محکوم می‌کنیم.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
۸ اسفندماه ۱۳۵۸

درباره حوادث ترکمن صحرا

بقیه از صفحه ۱

(۵) ما این‌همه که تمامی مسائل مبتلا به منطقه ترکمن صحرا، مانند تمام دیگر مناطق کشور، باید از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل گردد. در شرایط مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب ایران، توسل به اسلحه نه فقط هیچ‌مسئله‌ای را حل نمی‌کند، بلکه برعکس حل‌مسائل را همواره پهن‌نچتر کرده، به پهن‌بست می‌کشد. ما در شرایط کنونی کشور، توسل به اسلحه را برای حل‌مسائل درونی

تدارکات جنگی و حضور نظامی امپریالیسم امریکا...

بقیه از صفحه ۱

بایک ناوهایما برادر و افزود که قدرت آتش یکساعته هر یک از این ناوها برابر قدرت آتش ۲۴ ساعت مجموع هواپیماهای یک ناو هواپیما بر است.

طی یکسالیکه از پیروزی انقلاب ایران می‌گذرد، امپریالیسم امریکا بتدریج بزرگترین نیروی نظامی دریائی و هوائی خود را در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند متمرکز ساخته است. اکنون در آبهای این منطقه ۲۴ ناو جنگی و رزمناو موشک‌انداز و چهار ناو هواپیما بر استقرار یافته‌اند.

واحد های چتر باز از پایگاه نظامی امریکا در جزین دنگو کارسیا بوسپله هلیکوپتر به ناوهای هواپیما بر و دیگر ناو هائی که در خلیج فارس مستقر هستند، انتقال داده شده‌است. واحد های بزرگی از نیروهای صد و ده هزار نفری «واکش سریع» مجهز به تانک توپخانه و موشک در پایگاه‌های نظامی امریکا در کشورهای ساحلی خلیج فارس و عمان و عربستان سعودی-یاده شده‌اند و در این پایگاهها مستقر هستند.

هیئت‌های عالی‌رتبه وزارت دفاع و وزارت امور خارجه امریکا طی چند ماه اخیر دیدارهای مکرری از کشورهای این منطقه از قبیل عمان، عربستان سعودی، پاکستان، سومالی و کنیا بعمل آورده‌اند. مسامحهت این هیئت‌ها، چنانکه مقامات رسمی امریکا همه‌به آن معترفند، بازرسی از پایگاه‌های نظامی در کشورهای که این پایگاهها در آن وجود دارد و مذاکرات بسادول این کشورها بظهور جلب موافقت آنها برای استفاده از تاسیسات نظامی و پایگاه‌های نظامی خود این کشورها جهت استقرار واحدهائی از نیروهای صد و ده هزار نفری «واکش سریع» و ایجاد پایگاه‌های نظامی جدید امریکا در خاک این کشورها بوده است.

پس از اعضای قراردادی کمپدویید، که با خیانت انور سادات بمنافع خلقهای عرب و خلق عرب فلسطین انجام گرفت، و در پی آن پیروزی

انقلاب ایران، که موجب سرنگونی رژیم شاه خائی، که نقش زاندارم امپریالیسم امریکا در منطقه را ایفا میکرد و سپهر انحلال پیدان نظامی ستو، امپریالیسم امریکا در رسد بر آمده نقش زاندارم منطقه را، علاوه بر اسرائیل، به رژیم سادات که خود داوطلبانه پذیرای آنست، محول کند. امریکا در عین حال کوشش می‌کند که از رژیمهای دست‌نشانده در این منطقه بیمان نظامی جدیدی بجای ستو تشکیل گردد.

بحرانی شدن روابط ایران و امریکا، بعلت امتناع دولت کارتر از انجام خواست بحق مردم ایران دموور استرداد شاه مخلوع و ژنرالهای غارت‌شده بوسپله‌وی، که منجر به اشغال جاسوسخانه امریکا در تهران گردید، بهانه تازه‌ای بودجهت تشدید تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند و تهدید ایران به مداخله مسلحانه.

رویدادهای اخیر در جمهوری دموکراتیک افغانستان و عقیم ماندن نقشه‌های توطئه‌گرانه امریکا، پاکستان و چین برای سرنگونی رژیم دموکراتیک و خلقی در این کشور، به تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی امریکا در این منطقه ابعاد گسترده‌تری بخشید. به‌موازات اعزام واحدهای جدید نیروی دریائی و هوائی و تفنگداران دریائی به این منطقه، سیل تسلیحات و تجهیزات نظامی امریکا به اسرائیل، مصر، عربستان سعودی، عمان و پاکستان روانه شد و در واقع پاره‌ای از این کشورها مانند عمان، عربستان سعودی و پاکستان به مرکز فعالیت نظامی و تدارکات جنگی در این منطقه تبدیل شدند.

بدین ترتیب ملاحظه میشود که پس از پیروزی انقلاب ایران تدارکات جنگی و حضور نظامی امریکا در این منطقه به‌مقیاس عظیم و خطرناکی، که در درجه اول انقلاب ایران و امنیت و استقلال کشورها و همچنین دیگر کشورهای مستقل ملی منطقه را در معرض تهدید جدی مداخله نظامی قرار میدهد، رسیده است. در واقع سراسر این منطقه به پایگاه‌های نظامی و

دیوکل حزب کمونیست بنگلادش از انقلاب ایران پشتیبانی کرد

محمد فرساد، دبیر کل حزب کمونیست بنگلادش، در جریان اجلاس کنگره حزب در منطق انقلاب های ضد امپریالیستی در ایران و افغانستان را مورد ستایش قرار داد و این انقلاب‌ها را نقطه عطفی خواند. دیوکل حزب کمونیست بنگلادش از سوی دیگر اعلام کرد که امریالیسم آمریکا و ماوئیست های چین از طریق پاکستان به جبهه ضد انقلاب در افغانستان کمک می‌کنند و در داخل این کشور توطئه می‌چینند. دیوکل حزب کمونیست بنگلادش این توطئه‌ها را شدیداً محکوم کرد.



تظاهرات خلقهای عرب علیه خیانت رژیم سادات

مبادله رسمی سفیران رژیم خائن سادات و صهیونیست‌های اسرائیل موجب از اعتراض و تظاهرات در سراسر جهان عرب و بسویژه در سرزمین‌های اشغالی برانگیخته است. در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه فلسطینی‌ها بعنوان اعتراض به این اقدام خائنه سادات، که منافع اعراب را به امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم فروخته است، تظاهرات گسترده‌ای برپا کردند. مدارس و منازعه‌ها در کرانه غربی رود اردن تعطیل شد و بسیاری از شخصیت‌های فلسطینی روز مبادله سفیران مصر و اسرائیل را «روز سیاه» در تاریخ اعراب خواندند. در بیروت نیز سازمان آزادیبخش فلسطین در بیانیه‌ای خیانت سادات را غیر قابل‌پشتن خواند و سازمان‌های دست‌چپی لبنان تظاهرات گسترده‌ای برپا کردند. هر چند رژیم سرسپرده سادات تظاهرات سازمان‌های سیاسی مشرقی را علیه این اقدام ممنوع اعلام کرده بود، با این‌همه خشم مردم بقدری شدید بود، که در چند شهر مردم به خیابانها ریختند.

کمونیست‌های ژاپن نقش برجسته‌ای در امر صلح در خاور دور بر عهده دارند

پانزدهمین کنگره حزب کمونیست ژاپن کار خود را آغاز کرد. در این کنگره مباحث‌های نمایندگی احزاب کمونیستی و کارگری جهان نیز شرکت کردند. حزب کمونیست اتحاد شوروی نیز حیاتی بلندپایه به این کنگره اعزام کرده است. در پیام حزب کمونیست اتحاد شوروی به کنگره حزب کمونیست ژاپن آمده است که کمونیست‌های ژاپن نقش برجسته‌ای در امر صلح در خاور دور بر عهده دارند. در پیام اضافه شده است که حزب کمونیست اتحاد شوروی ایمان دارد که اوضاع بین‌المللی همکاری احزاب کمونیست و دیگر نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست را برای درهم شکستن توطئه امپریالیست‌ها ضروری می‌سازد.

اعتراض مردم علیه دولت تونس گسترش می‌یابد

اعتراض دانشجویان و کارگران نسبت به سیاست دولت تونس بالا گرفته است. دولت حبیب بورقیبه، که اخیراً برای سرکوب تظاهرات مردم چند شهر تونس از واحدهای فرانسوی و سهیلات لوزیتسیکی امریکائی کمک گرفته است، اعلام کرده که چند دانشکده و دانشگاه را بخاطر «افتشاش» تعطیل می‌کند. از یکسال پیش موج تظاهرات تونس را فرا گرفته است. سال پیش در جریان تظاهرات کارگری بیش از صد تن کشته شدند. رژیم بورقیبه برای حفظ خود در مقابل تظاهرات مردم بیش از پیش کشور را بدست‌امان امپریالیست‌های فرانسوی و امریکائی می‌اندازد.

همکاری نظامی چین و ژاپن نگرانی کشورهای آسیای جنوب شرقی را برانگیخته است

قرارات طرف چند هفته آینده یک هیات نظامی ژاپنی از چین دیدن نماید و از پایگاه‌های نظامی مراکز موشکی چین بازدید کند. در روزهای گذشته هیات‌های نظامی چین و ژاپن چند بار از کشورهای یکنه‌یکدیگر دیدن کرده‌اند. پاره‌ای از روزنامه‌های آسیای جنوب شرقی گزارش داده‌اند که چین ممکن است به ژاپن در زمینه ساختن سلاحهای هسته‌ای کمک کند.

قرارات طرف چند هفته آینده یک هیات نظامی ژاپنی از چین دیدن نماید و از پایگاه‌های نظامی مراکز موشکی چین بازدید کند. در روزهای گذشته هیات‌های نظامی چین و ژاپن چند بار از کشورهای یکنه‌یکدیگر دیدن کرده‌اند. پاره‌ای از روزنامه‌های آسیای جنوب شرقی گزارش داده‌اند که چین ممکن است به ژاپن در زمینه ساختن سلاحهای هسته‌ای کمک کند.

امپریالیسم امریکا یکبار دیگر مخالفت صریح خود را با حقوق مشروع خلق فلسطین اعلام کرده است

جیمی کارتر در مصاحبه‌ای گفت که آمریکا مخالف یک کشور فلسطینی است. از سوی دیگر مذاکرات سه جانبه رژیم سادات، اسرائیل و آمریکا برای باصلاح حل و فصل مسئله فلسطین آغاز شده است.

هدف امپریالیسم آمریکا آن است که با کمک رژیم خائن سادات، مسئله را بفتح اشغال دائمی سرزمینهای عرب به نفع اسرائیل حل کند.

اما خلق فلسطین بر رهبری سازمان آزادی-بخش فلسطین هرگز اجازه نمیدهد که این توطئه خائنه اجرا شود.

تازه‌ترین دروغ خبرگزاریهای امپریالیستی فاش شد

محمد پیروالی، مقام برجسته دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، که خبرگزاری‌های امپریالیستی با آب و تاب فراوان به نقل از منابع افغانی در پی‌شاوره خبر کرده‌اند او را اعلام کرده بودند، در سراسر خود به اتیوپی، مدت کوتاهی در مسکو توقف کرد.

پیروالی برای شرکت در کنفرانس شورای جهانی صلح، که در آدیس‌آبابا تشکیل میشود، راهی اتیوپی شده است.

بدین ترتیب خبرگزاری‌های امپریالیستی دسته‌گل تازه‌ای به آب دادند.

خروج یک واحد رزمی دیگر از نیروهای اتحاد شوروی از جمهوری دموکراتیک آلمان آغاز شد

نخستین مرحله خروج قسمتی از این نیروها در دسامبر گذشته صورت گرفت.

اتحاد شوروی سال گذشته در یک ابتکار صلح-جویانه اعلام کرده بود که بطوریکه جابه‌و بدون آنکه منتظر اقدام مقابل غرب باشد، بیست‌هزار سرباز و هزار تانک خود را ظرف ۱۲ ماه از جمهوری دموکراتیک آلمان خارج میکند.

ابتکار صلح اتحاد شوروی برغم گسترش تشنج از سوی مخالفان ناتو در اروپا صورت گرفته است.

تهدید جدید امپریالیسم امریکا علیه ایران

سنا تورگلدواتر این کهنه‌نوک انحصارات امریکائی، با طبل تازه‌ای دموور ایران بهم یافته است. گلدواتر گفته است که کارتر باید به ایران اخطار کند تا ظرف مدت ممتدی گرگانها (جاسوسان) را آزاد کند و گر نه به پایگاه آبدان بمباران خواهد شد.

سخنان گلدواتر در چارچوب همان سیاست چشم‌زدن و در عین حال جساق نشان دادن امپریالیسم امریکا ایراد شده است. امپریالیسم امریکا از یک سو بوسیله یعنی از نوکران خود مانند ادوارد کندی سخنان «شیرینی» بر زبان می‌آورد و از سوی دیگر بعضی دیگر از پادوهای وی مانند گلدواتر جساق تهدید را بلند میکنند.

باید به امپریالیسم امریکا و همه نوکرهای رنگارنگ وی گفت که نه آن سخنان و نه این تهدیدها نتوانند در مسازره مرگ و زندگی مردم ایران خللی وارد کند. شما آقایان نوکرها بهتر میدانید که امپریالیسم هیچ‌غلطی نمیتواند بکند.

فرار چینی‌ها از چین

سیل آوارگان چین بسوی هنگ‌کنگ در سال جدید بی‌وقفه ادامه دارد. بنا به گزارش‌های منابع رسمی در هنگ‌کنگ، در یک ماه اول سال جاری، چند هزار چینی دیگر به هنگ‌کنگ فرار کرده‌اند. اکثر فراریان را افراد بیکار تشکیل میدهند. در سال ۱۹۷۹ بوجه آمارهای رسمی مقامهای هنگ‌کنگ حدود ۹۵ هزار چینی که بیکار گرسنه بودند، به هنگ‌کنگ فرار کردند. سیاست‌های ماوئیستی هر روز بردامنه فقر و فلاکت مردم چین می‌افزاید.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب! حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله‌ترین شکل تکتیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط

تکذیب
آقای عبدالله آزادان مدیر کارخانه پارس‌متال خیرمند در ۳۰ شانه ۵۸/۱۱/۱۰ «مردم» را درباره این کارخانه و خودشان تکذیب کرده‌اند.

تحقیقات ما هم نشان داد که رسمی مقامهای هنگ‌کنگ حدود ۹۵ هزار چینی که بیکار گرسنه بودند، به هنگ‌کنگ فرار کردند. سیاست‌های ماوئیستی هر روز بردامنه فقر و فلاکت مردم چین می‌افزاید.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم امریکا

۷ سامورایی: سرود حماسی کوروساوا



تصویری از فیلم «هفت سامورایی» (محصول سال ۱۹۵۴)

هشدار به دانش آموزان

نخستین وظیفه، حفظ انقلاب است

در برخی از دبستانها و دبیرستانهای کشور آرامش برقرار نیست. با آنکه پنج ماه از آغاز سال تحصیلی میگذرد، این مدارس هنوز روال عادی خود را بازیافته اند. هر روز با پهنای است برای آنکه دانش آموزان کلاسها را ترک گویند و تحصن راه پیمانی کنند. این پهنانها بسی گوناگون است. تغییر آموزگار و مدیر، تعویض مدیر مدرسه، «پسواد» فلان آموزگار و «بی تجربگی» فلان مدیر، در اینگونه موارد گاه کار حتی به توهین و بی حرمتی نسبت به آموزگاران و دبیران و مربیان میکشد، که تا سبب انگیز است.

این واقعیت که نارسائی هائی در آموزش و پرورش کشور، در همه سطوح، دیده میشود، انکارناپذیر است. اما فراموش نکنیم که این نارسائیا امری نیست، بلکه قسمت اعظم آندین روزی و وارثی دوران طاغوت است. انقلاب شکوهمند ما بحق ارزشهای طاغوتی را به بریده و ارزشهای جدیدی را جانشین آن ساخته است و بدینسان سطح توقع و انتظار مردم و از جمله دانش آموزان، از مسئولین امر فزونی یافته است.

آنها اگر در دوران رژیم پیشین، همه آموزگاران و دبیران خود را، در هر سطحی از سواد و معلومات و تجربه می پذیرفتند، امروز نمی پذیرند. اگر در روز ناکریر به دبیران طاغوتی گردن میبندادند، امروز نمی بینند. و این برخورد انقلابی شایان تحسین است. اما بهر نسی مسئله در دریافت این نکته باریکتری از دوست که در پایین در میان انبوه ناراضیها، کینهها، نقایص، نارسائیا، ناراضیها و امیبه و عصبانیه وجود دارد که باید آنرا شناخت و آنرا، مصادی غیر عمده نکرد.

در شرایط کنونی کشور، عمده ضرورت پاسداری از اسلامت انقلاب است. در ایام که امپریالیسم گرگ رفته، پس کردگی آمریکا، در کمین انقلاب ما، این لطف یکساله نوبا، نشسته است، تا بیکر آنرا از هم بددد. در ایامی که باقیمانده های رژیم جبار و خونخوار پیشین، شب روز دشنه و خنجر سیقل میدهند. تا برگرد سرفراز انقلاب تاخت آورند و آنرا نابود سازند. در ایامی که طایفه درجه اول حمله آنت که با ایشاری همگامی انقلابی را از «سیر و دشمنان محفوظ داریم، آنرا با استواری و بیگیری به مرزهای بیرونی نزدیک سازیم و تردید نداشته باشیم که پیروزی انقلاب با تحقق خواستهای همه اقشار و طبقات زحمتکش قرین خواهد بود.

تردید نداشته باشیم که امپریالیسم و بقایای رژیم پیشین، سرمایه داران وابسته و فئودالها، ساواکها و ضداقلابیها قسطدر جو هر ج و مرج و آشوب است که می توانند ثبات یلید خود را علیه انقلاب ما تحقق پذیر سازند. آنها در هر گوشه سادته می آفرینند، گردستان، آذربایجان، گنبد، خوزستان، سیستان، بلوچستان، دهر، گوشه بر آتش اختلافات حیمه می افکنند و شعلهها را بلند و بلندتر میسازند. آنها کوچکترین ناراضیاتی یک نفر، یک طبقه و گامیک گروه کوچک را دهان به دهان میگردانند، گداگاه می کنند و اگر موفق شوند، آنرا به سایر گروها و اقشار ساریت میدهند و زمینه را برای یلک عمل اشترای جمعی آماده میسازند، تا اگر همشده یکروز، زندگی یک شهر را به بی نظمی و هر ج و مرج بکشاند و از آن بتفصیح خود بهره برداری کنند. هدف زشت آنها آنست که با تحریک نا پختگان و دامن زدن به اعصابها، تحسینها، راه پیمانیها و کم کاریها نگذارند چرخ صنایع ما شتاب گیرند، نگذارند کشاورزی ما روال عادی خود را بازیابد، نگذارند دانشجویان مدارس بخوانند، نگذارند کلاسی های مدارس دانش باشد، خلاصه همه چیز را بهم بریزند تا در این بازار آشفته مقاصد یلید خود را تحقق پذیر سازند.

در این میان نمیتوان به پهنانهادانهای بیجای مسئولین امر اشاره نکرد. برخی از مسئولین حتی به خواستهای جزئی، منطقی و مشروع مردم بیتوجهی میکنند و در نتیجه ناخواسته، زمینه را برای بهره برداری ضداقلاب آماده میکنند. در حالیکه میتوان با پذیرفتن مطالبات منطقی مردم صف ضداقلاب و از افراد هوادار انقلاب، ولی نا پخته جدا کرد و ضداقلاب را به آنرا واگشاند.

از سوی دیگر باید این مسئله برای همه عناصر دوستدار و هوادار انقلاب بدیهی باشد که در شرایطی که امپریالیسم کثورترازا آشفته میخورد، باید از هر قدم، هر عمل و هر اقدامی که به آشفتنکی وضع کشور کمک کند، قویا اجتناب کرد. در این امر بسیار مهم، پدیدان و مداران باید فرزندان خود را ارشاد کنند. تا با پهنانهادانها چیزی تا در دام ضداقلاب نگذارند. مریمان مدرسه باید پدواتر آموزان یا شیوههای اقباعی راه نشان دهند، تا به پهنانهادانها کشانیده نشوند.

متأسفانه به علت عدم پاکسازی بنیادی در مدارس، هستند معلمان و مدیران و مربیانی که بجای مستگیری انقلابی و پروریز از به تعطیل کشاندن کلاسها، خود بطور غیر مستقیم، امامان راه، دانش آموزان را به تعطیل کلاسها و درختن به خیابانها تشویق میکنند. باید دست اینگونه عناصر ضداقلابی را از ساحت مدارس کوتاه کرد و به آنان فرصت نداد، تا بجای ارشاد دانش آموزان، آنانرا گمراه سازند.

با شکست نظامی امپراتوری ژاپن در جنگ جهانی دوم، این کشور به مددکار و دستیار امپریالیسم آمریکا تبدیل شد. ایالات متحده کوشید که در همه عرصه های حیات اجتماعی و فرهنگی از این کشور نوعی نسخه بدل و همتای حشرقی خود را بیافریند. از این رو انواع بلاها و مفسدات دهشتناک سرمایه داری انحصاری در ژاپن تشدید شد.

در رابطه با این جامعه هویت باخته بود که سینمای نوین ژاپن یا گرفت.

روشنفکران دموکرات و ترقیخواه ژاپن که برای نخستین بار طعم آزادی نسبی را میچشیدند، به دنبال یافتن مفهوم «ژاپنی بودن» به شدت به هیجان آمدند. هنرمندان در میان انبوه اتمتهای بی خاصیت فرهنگ تحمیلی جامعه سرمایه داری ژاپن پس از جنگ برای یافتن ریشه های اصیل فرهنگ قومی خود سرسخانه به جستجو پرداختند. نوزایی (رنسانس) سینمای ژاپن در اشکال متنوع آن، در واقع بازتاب پاسخاری گوناگون سینماگران به مشکلات ماترزا و وحشتار جامعه سرمایه داری ژاپن پس از جنگ بود.

سامورایی به عنوان تیلور آرمانهای قهرمانی ژاپن، جدا از نقش تاریخی منفی او در دوران فئودالته، به صورت شخصیت محوری سینمای حماسی نوین ژاپن درآمد. فیلمسازی نظیر ایتانگامی، موزگوش و اکیرا کوروساوا، از زبان «سامورایی» ندای رستاخیز اجتماعی ژاپن منکوب و غارتزده را سر دادند. از این سان کوروساوا به خاطر خلاقیت هنری شگرف، تسلط استادانه اش بر زبان بر زبان سراسر جهان، به صورت نماینده سینمای اجتماعی ژاپن درآمد.

کوروساوا در سال ۱۹۱۰ به دنیا آمده تحصیلات هنری خود را از نقاشی آغاز کرد. تأثیر این هنر در آثار او چشمگیر است. تصاویر زیبا و مسحیده رنگ آمیزیهای هیجان انگیز و پر طراوت، بویژه در آثار رنگی او، جای به خصوصی دارند. نخستین فیلم خود به نام «افسانه جودو» را در سال ۱۹۴۳ کارگردانی کرد. این فیلم به بررسی کشتی جودو و ورزش سنتی ژاپن میپرداخت. از آن پس کوروساوا فیلمهای بسیار متنوعی ساخته است. یافتن مضمونی یگانه در آثار کوروساوا (۲۸ فیلم) دشوار است. به گفته خودش: «تم اصلی کارهای من این است: چرا انسانها نمی گویند که خوشبختتر باشند».

چنانکه از این نقل قول برمی آید، سینمای انتقادی کوروساوا با خوشبینی و ایمان استوارش به انسان همراه است.

مضامین اخلاقی و الایم مانند ایتار، قداکاری، از خود گذشتگی در راه دیگران و مردمداری در سینمای کوروساوا جایگاهی ویژه دارند.

کوروساوا برای سینما دوستان ایرانی چه برای آشناسان و با این وجود پیش از انقلاب، هیچیک از آثار او به فارسی دوبله نشد و به نمایش عمومی در نیامد. اینک پس از فیلم «دروازولا»، «هفت سامورایی» دومین کار کوروساوا است که بنمایش عمومی درمی آید. و این بیگانه فضایی است که توده های میلیونی خلق با سرگونی رژیم ترور و اختناق، آفریده اند.

کوروساوا هنرمندی است که همه فیه سخن می گوید. تقریباً همه آثارش سرگرم کننده است. هفت سامورایی در میان فیلمهای کوروساوا از منزه و ویژه برخوردار است.

جان استرجس امریکایی فیلم «هفت دلاره» را به تقلید از «هفت سامورایی» برای هالیوود تهیه کرد. هفت دلاره که بهتر است آنرا «هفت کابوی» بنامیم، گرچه از نظر داستان شبیه «هفت سامورایی» است، ولی از محتوای غنی «هفت سامورایی» کاسلا تپس است. و درست به همین علت است که «هفت دلاره» در رژیم گذشته بنمایش عمومی گذارده میشود ولی «هفت سامورایی» اجازه نمایش نمی یابد.

کوروساوا در «هفت سامورایی» به آینده امیدوار و خوشبین است، از دهقانان رنج دیده در مقابل جیاوگران حمایت می کند، راهراهی از چنگال

زدان را در نیروی توده ها و اتحاد آنان میجوید سلحشوری، ایتار و از خود گذشتگی در راه ستندیدگان را شمار می دهد، نقش زنان را، در کار و در بیکار، هرگز از یاد نمی برد، دستدار عشق و طبیعت است. کار را ستایش می کند و بر سنت های مردمی تأکید می ورزد.

البته کوروساوا در این فیلم بیشتر موضع گیری می کند تا ریشه یابی و برخوردش نسبت به مسائل، بیشتر اخلاقی و شخصی است تا تحلیلی واجتماعی.

نیروی خلاق مردم

احالی دهکده ای که مورد هجوم همیشگی راهزنان است، پس از جدلی بیرحمانه به این نتیجه میرسد که علیه راهزنان به مبارزه برخیزند و پیش از این به تحمل غارتگری نشینند. با یاری هفت سامورایی جنگ آزموده و با تجربه و باجانبازی همه روستائیان، باین مهه دست می یابند و نسل راهزنان را برمی اندازند. این خلاصه داستانی است که بر اساس آن کوروساوا، سرودی حماسی میسراید و طی آن بنظنه نظرهای خود را درباره بسیاری از مسائل کوچک و بزرگ زندگی بیان می کند.

در اولین صحنه ها با روستائیان آشنا میشویم که از پرداخت مالیات، خشکالی، و لایزال از همه از غارتگران بیگانه، رنج میبرند، زیرا در مرحله آنان همه هشتشان نیست میشود. و با این وجود بسیاریا روستائیان که معتقدند برای رنج کشیدن و تحمل کردن بدنیای آمده اند، میگویند که باید در مقابل راهزنان زانو زد و ملتسانه به زندگی ادامه داد.

اما کوروساوا به زندگی و به آینده امیدوار است. نیک میداند که برای زندگی بهتر باید مبارزه کرد. چه، زانو زدن در مقابل غارتگران خارجی، خود عن مرگ است. لذا در مقابل آن طرز فکر تسلیم طلبانه یک روستائی جوان فریاد پایداری میسراید و تلاش می کند بدیگران بفهماند که مرگ در راه راهی ارزشمندتر از زندگی نکت بار است. و عاقبت در نشستی با ریش سفید دهکده راهراهی را در مقاومت می یابند.

کوروساوا به قسمت مربوط به یافتن چند سامورایی چنان با ظرافت میپردازد که در پایان تماشاگر با یکایک ساموراییها و خصوصیاتشان آشنا میشود. درمی یابد که «کامی» از تجربه فراوانی بر خوردار است، که «کاتسوشیرو» جوان شیفته استادی «کامی» شده و حاضر است به خدمت او در آید. به «کوزوی» شمشیر باز، که سخت در فکر تکمیل مهارت خود است، دلستکی پیدا میکند. با فروتنی «های هاجی» آشنا میشود که حاضر است از فرود کاذب

سامورایی دست بشوید و برای چند وعده غذای روزانه، هیزم بشکند، و نیز به دروغ های فراوان «کی کوچیوی» ساده دل بی میرد، که میخواهد خود را بتوان یک سامورایی اصل و نسب دار چابزند.

البته کوروساوا میداند که بسیاری از ساموراییها در گذشته، خود نیز همچون راهزنان آفت چنان دهقانان بودند، و این راهم از زبان «کی کوچیوی»، که خود دهقان زاده ایست داغ دیده میشویم، و هم از عده استقبال دهقانان هنگام ورود ساموراییها به ده پیداست. دهقانان حاضر نمی شوند از کلبه هاشان بیرون بیایند. تا آنجا که یکی از دهقانان بمحض شنیدن این خبر که بزودی ساموراییها بده می آیند، بی درنگ تصمیم میگیرد موهای دختر جوان خود را کوتاه کند و با لباس پسرانه بیوشاند تا دختر از گزند ساموراییها در امان بماند.

به همین دلیل برخورد کوروساوا به ساموراییها یکجانبه نیست. او جانب آبهائی را میگیرد که حاضرند درازاه سه وعده غذا در روز، به دهقانان ستندیده کمک کنند، نه آن سامورایی را که میگوید: صعب حماقتی، جامطلبی من کمی بیش از این هاست، و حاضر نمی شود در راه نجات روستائیان با دیگران همکاری کند. کوروساوا تمام جزئیات و دقایق جنگ خشونت بار روستائیان و غارتگران را به طرز موشکافانه ای نشان می دهد، تا تفر خود را نسبت به جنگ هر چه سار اعلام کند. پس از پیروزی، همان دهقانان رام و تسوری خورده را می بینیم که اینک با غرور و سر بلندی، آرا خوانان به بر بیج گاری سرگردند.

در پایان این نقد ذکر دو نکته را لازم می شماریم: نخست این که هر چند کوروساوا با چیره دستی و دقتی بی مانند چهره روستائیان و ساموراییها را نماز می نماید، اما هرگز از شخصیت راهزنان و بویژه علی وجودی وانگیزه «راهزنی» آنان سخنی نمی گوید، دیگر اینکه، گرچه دهقانان در ابتدای فیلم از پرداخت مالیات زمین حرف میزنند، ولی تا پایان فیلم نه از آریاب و مالک خبری میشود و نه از میانرین باجگیر آنان. گویی با ختم غلغله راهزنان تمام مشکلات حیاتی دهقانان حل شده است.

سینمای کوروساوا نسبت به ریشه یابی علمی-اجتماعی، کم توجه و بی اعتناست. در هیچیک از آثار او تحلیل طبقاتی مشخص وجود ندارد. «هفت سامورایی» آرای دین شاعرانه ای است نسبت به سنتهای شریف مردمی، که به گمان کوروساوا به ترقیم سیری شدن دورانشان، باید آنها را احیا کرد. نمای پر شکوه، انبوه فیلم، گور رفیع چهار سامورایی، پیام کوروساوا، امرحاح اعلام می کند: این اخلاقی گرای بزرگ بشر از آنکه به دهقانان علاقمند باشد، نگران سامورایی هاست.



سیر انقلاب در سمنان

نمایشگاه سیر انقلاب در ایران، در چند میدان سمنان برپا شد. این نمایشگاهها که در آنها با عکس و طرح، سیر انقلاب ایران نشان داده شده بود، توسط هواداران حزب توده ایران در سمنان برگزار شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت.

باید به دانش آموزان تفهیم کرد که میشود خواستهای منطقی خود را به شیوه های غیر از راه پیمانی و تحسین و اعتصاب به گوش مسئولان رساند، میتوان با شوروی مدارس در میان گذاشت، به آموزش و پرورش منطقه نامه نوشت، با وزارت آموزش و پرورش مطرح کرد، اما کلاسها را باز نگذاشت، زیرا انقلاب بیش از هر چیز به نظم منطقی نیازمند است، به منزها و استعدادهای جوان نیازمند است که با ساز جامعه فرادیند.

وظیفه دانش آموزان مترقی و آگاه در این میان بسی حساس است. آنها نه تنها خود نیایند در دام اینگونه تحریکات غرض آلود یا گذارند، بلکه باید سایر دانش آموزان را نیز از کشیده شدن به دنبال اینگونه تحریکات مانع شوند. در دوران طاغوت، اعتصاب و تحصن و راه پیمانی از اشکال انقلابی مبارزه علیه رژیم جبار بود. اما فراموش نکنیم که ما انقلاب کرده ایم و اکنون رژیم رژیم انقلاب بر سر کار است. برای طرح خواستهایمان در برابر این رژیم انقلابی نمیتوان از همان تجربه های استفاده کرد که در مبارزه با رژیم مخلصوع بکار می بردیم و بجا و بحق بکار میبریم. البته هدف هیچ وجه تمکین، گردن نهادن و یا سرپوش نگذاشتن بر نارسائیاها نیست. هدف جستجوی اشکالی از مبارزه است که به انقلاب زبان نرساند.

بر اینهمه باید این نکته را نیز افزود که رفتار انسانی و انقلابی ایجاب میکند که حرمت معلمان و مربیان محفوظ بماند و انقلابی بودن با هجوم کردن و تحقیر اشتباه نشود، که اشتباهی سخت نا پخشودنی است.

لیست ساوا کی ها را منتشر کنید!

اعتراض ۱۰ شخصیت سیاسی - اجتماعی به دو مرحله‌ای شدن انتخابات

در مطبوعات کشور

اطلاعیه‌ای از سوی ۱۰ شخصیت سیاسی-اجتماعی بعنوان اعتراض به طرح دومرحله‌ای بودن انتخابات منتشر شد. متن اطلاعیه به شرح زیر است:

بنام خدا
از آنجا که انتخابات مجلس شورای ملی بخصوص نخستین دوره آن در موقیت یا شکست تجربه جمهوری اسلامی نقش بنیادی دارد، با تأسف بسیار از بی‌توجهی مسئولین امر در مورد تمهیل شرط اکثریت مطلق آراء برای نمایندگان مجلس شورای ملی، که بعدی زین بخش در جهت نقض قانون اساسی است ناچاریم موارد زیر را به اطلاع ملت شریف ایران برسانیم.

روئ گروهای مختلف پندیدند، آنها را به استفاده از راههای غیر قانونی تشویق نکرده‌اند؛ در انصورت آری پاسخگویی ناآرامی‌های آینده خواهد بود.

در حالیکه این همه تا کید در جهت تسریع در همه پرسی تغییر رژیم و انتخابات مجلس خبرگان و تصویب قانون اساسی و انتخاب رئیس‌جمهور به عمل آمده است، معلوم نیست چرا انتخابات مجلس شورا که شروع جدی کار رئیس‌جمهور و پایان گرفتن کارشورای انقلاب به آن بستگی دارد، باید به علت دو مرحله‌ای شدن به تأخیر بیفتد.

بهر حال با سپردن این سند مکتوب به سه تارخ برای داوری در آینده نزدیک، از شخصیت‌های مسئولیتی که در این امر حسن نیت هستند، مسراً می‌خواهیم که نسبت به موارد زیر توجه فوری مبذول دارند:

۱- شرط اکثریت مطلق آراء دومرحله‌ای بودن مجلس شورا که نقض قانون اساسی است و بعدی زین بخش و موجب دلسردی رای دهندگان و صرف بهیچ وجه هزینه و نیروی انسانی است، فوراً لغو شود.

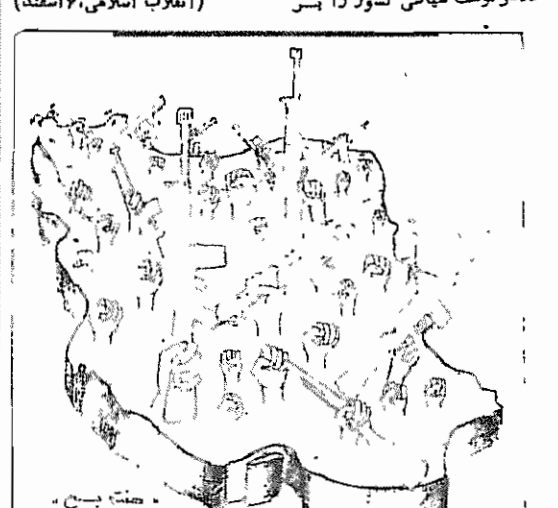
۲- برای نامزدهای مجلس شورا، اگر حاضر یکار در چهارچوب قانون اساسی باشند، هیچگونه محدودیتی از این نظر که به قانون اساسی داده یا نداشته‌اند نباید اعمال شود و مقامات مملکتی باید از افراد و گروه‌های فشار که بخواهند مانع فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی گروه‌های مختلف شوند به شدت جلوگیری کنند.

۳- با استفاده از امکانات دولتی از قبیل رادیو و تلویزیون در راهپیمایی‌ها و مراسم نماز جمعه نباید له‌لغله کاندیداها تبلیغ شود و متخلفین باید مورد بازخواست قرار گیرند.

۴- برای اینکه جای تردید و اعتراض در نتیجه انتخابات باقی نماند، دست اندکاران و برگزارکنندگان انتخابات در سراسر کشور در صورتیکه نامزد نمایندگی باشند، باید قبل از انتخابات از سمت خود استعفا دهند.

رضا اسفندیار - دکتر حبیب‌الله پیمان - علی تهرانی - دکتر حسن توفان - فرد - سید محمد مهدی جعفری - دکتر کاظم سامی - محمد تقی شریعتی - دکتر محمد مجتهد شینری - دکتر محمد ملکی - دکتر مهدی ممکن.

(انقلاب اسلامی، ۶ اسفند)



(آزادگان، ۶ اسفند ۱۳۵۸)

دکتر پیمان: سیاستی که بر دولت (موقت) حاکم بود، یک سیاست لیبرالیستی بود

ایرانی که می‌خواست حرکت انقلابی را در یک حالت معتدل و اصلاح‌طلبی و سازشکارانه سوق دهد سیاستی که بر دولت حاکم بود، سیاست لیبرالیستی بود. بلکه یک سیاست لیبرالیستی بود.

اخیراً برخی از طرفداران ظاهر شرمگین، ولی باطن هنوز معتقد به خط سازشکارانه ۱۳۴۰ بگام، در توجیه مذاکرات مجرمانه‌ای که قبل از پیروزی انقلاب بین نمایندگان این خطه با مأموران سیاسی رسمی و غیر رسمی آمریکا انجام گرفته، استدلال‌های باصطلاح لونی عرضه می‌دارند.

می‌گویند: چون مذاکره بخودی خود عیب ندارد و اصل مذاکره را هیچکس نمی‌تواند رد کند، پس آن مذاکرات نیز قابل ایراد نیست. ایشان با تکیه بر یک اصل کلی درست، یک نتیجه مشخص غلط می‌گیرند. این سفسطه است.

اصل مذاکره را در واقع هم کسی نمیتواند رد کند. ولی مذاکره داریم تا مذاکره. مذاکره درجه شرايطی، مذاکره از جانب چه کسی با چه کسی، مذاکره در مینای کدام موضعگیری، مذاکره برای رسیدن به کدام هدف؟ اینها را باید مشخص کرد و سپس نتیجه گرفت که: آیا مذاکره مفید است یا زیان‌بخش، مذاکره از موضع انقلابی است یا از موضع سازش با دشمن انقلاب، مذاکره برای رسیدن به هدف انقلاب است یا رسیدن به مصالحه‌های برای ترمز کردن انقلاب و حفظ مواضع قابل حفظ دشمن انقلاب.

برای توجیه این مذاکرات نمایندگان خط گام بگام می‌آورند و می‌گویند: سران نهضت آزادیبخش الجزایر، وقتی فرانسه را در میدان مبارزه مسلحانه به بن‌بست کشانده، راه حل قلمی، یعنی پایان سلطه استعماری فرانسه را بر الجزایر از پشت میز مذاکرات درآید، یعنی در خاک فرانسه با استعمارگران تنظیم کرده.

این قیاس مع‌الفرق است. سران نهضت آزادیبخش الجزایر اولاً مذاکرات را وقتی شروع کردند که فرانسه را در میدان مبارزه مسلحانه به بن‌بست کشانده بودند و نه در زمانی که هنوز سرنوشته جنگ نامعلوم و فرانسه امیدوار به ابقاء سلطه استعماری خود از طریق مصالحه بود. ثانیاً این مذاکرات را از موضع قاطع انقلاب پیروزمند انجام دادند. ثالثاً هدف از مذاکرات تنظیم نحوه خروج نیروهای مسلح فرانسوی و برچیدن سفره استعمار و استعمارگران از الجزایر بود. این مذاکرات، که فرانسه اجباراً با انجام آن تن درداد، چنانکه میدانیم و معلوم است، منجر به پاکسازی خاک الجزایر از وجود نیروهای مسلح

مذاکره‌دار

صحبت بر سر مبارزه ضد امپریالیستی و گام

انقلابی ایران، با نمایندگان دولت آمریکا، یعنی خ آشتی‌ناپذیر این انقلاب دارد؟ برای توجیه این مذاکرات، نمایندگان گام بگام مثال می‌آورند و می‌گویند: وقتی آمریکا میخواهد خودش را از مرز جنگ ویتنام خلاص کند، سرنوشته ویتنام جنوبی رژیم وان‌تیو را درباریس با له‌دولت و ویتنام بینا نمایندگان ویتنام شمالی مطرح میکنند.

ولی آقایان مدافع مذاکرات خط گام بگام باید بدانند که اگر هدف آمریکا از مذاکره خلاص شدن از مرز ویتنام بوده، هدف این مذاکره از جانب ویتنامیها نحوه اخراج نیروهای مسلح آمریکایی از ویتنام، سپردن سرنوشته رژیم وان بدست خلق ویتنام و قطع هرگونه دخالت آمریکا در امور داخلی ویتنام بود. نتیجه مذاکرات هم پس کشش‌های طولانی چنان شد که ویتنامیها آذ پذیرفتند، ولی آمریکا آنرا نقض کرد، و چون نقض کرد، خلق ویتنام آمریکا و رژیم دست‌نشانده‌اش، همچون موش مرده از ویتنام بیرون نماندند.

این مذاکرات، نحوه برگزاری آن و نتیجه آن چه وجه مشترکی با مذاکرات «مجرمانه» نمایندگان خط گام بگام با نمایندگان آمریکا در ایران دارد؟ مدافعان مذاکرات خط گام بگام سفسطه ادامه میدهند و می‌گویند: اگر مذاکره بد است، پس چرا «فیدل کاسترو» به واشنگتن پس از انقلاب کوبا رفته است؟ در حالی که فیدل کاسترو به بیویورک برای ایراد تعلق در مج عمومی سازمان ملل متحد رفته است.

بجای «بت سازی»

بهر حال پیوند و ارتباط با نظام اجتماعی و باسویج عمومی فرهنگی عنصر اساسی و عمده است. باید اضافه کرد که پیشرفتهای فرهنگی همیشه موجب رفاه و پیشرفت و سبب دگرگونی آن در جهت تکامل شده است.

مرد در متن شناخته شده تاریخ بما نشان میدهد که در گذشته نیز همیشه ورزش بخشی از فرهنگ جوامع بشری و وابسته به هر دو جنبه آن، یعنی فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی بوده است. دوران بالندگی هر نظام اجتماعی و پیشرفت فرهنگ برابری بود با ترقی ورزش، و برعکس، آنگاه که فرهنگ در سرزمینی سیر بقهرانی طی میکرده است و نظام اجتماعی رو به تلاشی و زوال میرفت و انحطاط جامعه را بسوی فروپاشی میبرد، دوران نزول ورزش نیز بوده است.

امج و حقیقت و سرنوشته بازیهای المپیک، قه لاز میلاو مسیح در یونان باستان، نمونه‌ای از این واقعیت است. این بازیها زمانی در نهایت اوج شکوفایی خود انجام میگرفت که در یونان نظام پرده‌داری هنوز در شان شکر فاقی خود را می‌گذرانید و این کشور از یک فرهنگ متراکم با محتوای علمی جالب‌توجهی برخوردار بود. همچنین در کشور خود ما ایران، هنگامیکه بیش از دو هزار سال قبل، جامعه در بنسب و آبادان زمان، مرحله‌ای شمالی از رشد فرهنگی را می‌گذرانید و فرهنگ و تمدن ایران، به سبب خود، خدمات شایانی به جامعه بشریت انجام می‌داد، ورزش نیز، در سطح کمی و کیفی آن زمان، از پیشرفت قابل‌توجهی برخوردار بود. در ایران آنروز پرورش ورزشکاران مقام برجسته‌ای داشت و دوستداران ورزش و ورزشکاران فراوان بودند، نازی با توپ، به وسیله ایرانیان، با استفاده از

سخن می‌گفتند. همزمان با نظریات جدیدی که در چارچوب تئوریهایی تازه آموزش و پرورش عرضه میشد، نظریات مسی درباره ورزش نیز توانست سریع‌تر از آنچه که پیش‌بینی میشد، پدید گردد و در افکار عمومی جایان نفوذ کند.

ورزش بخشی از فرهنگ و ارزشهای فرهنگی جامعه بشری است. بین این دو رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. پیوند بین ورزش و فرهنگ آنچنان پایدار و چندسویه است که بررسی ورزش بدون آگاهی از ارزش و کیفیت ریشه‌های فرهنگی یک جامعه امکان‌پذیر نیست و به این جهت چگونگی زایش و زوال ورزش در هر جامعه، به فرهنگی که آن ورزش وابسته به آنست، مربوط میشود. بررسی نقش اجتماعی فرهنگ، مقدار و چگونگی نفوذ آن در جامعه، مسئله‌ایست که میتواند وضع ورزش، مراحل آن و چگونگی فعالیت‌های ورزشی و همچنین آسایش‌ها و نظریات علمی درباره ورزش را روشن کند.

باشاره دیدیم که در گذشته آنچه اندازه ورزش و نوع و تکامل آن وابسته به نظام اجتماعی-اقتصادی بود. در حال حاضر نیز تکامل و شکوفایی ورزش به میزان زیاد وابسته به نظام اجتماعی هر کشور است. علاوه بر کورهای که دارای فرهنگ پیشرفته‌ای هستند، ورزش آنها نیز در سطحی عالیه است. البته ورزش نیز، بمنابۀ یک عنصر فرهنگی، دارای قوانین ویژه درونی تکامل خود است. این امر استقلال نسبی به آن میبخشد و موجب میشود که رابطه موجود بین ورزش و فرهنگ، بین ورزش و مرحله تکامل اجتماعی بیواسطه و مستقیم و سطحی نباشد، ولی

دکتر سامی: بیشترین انرژی و وقت ما باید صرف معرفی جنایات امپریالیسم در ایران و همه جای جهان شود

در رابطه با عواملی که باعث میشوند شور انقلابی خلق در جهت مبارزه با امپریالیسم کاهشی پیدا کند می‌گوید: «مردم و یا ارگانهای سیاسی عوامل امپریالیسم را خوب نمی‌شناسند و چون عدم شناخت درست امپریالیسم ما رابه روشهای انحرافی و مخصوصاً بعد از انقلاب به لیبرالیسم میکشاند و این تصور پیدا میشود که با موضعمان را در میدان نبرد به

بندبیل این بحث اضافه میکنیم که توسعه و نفوذ ورزش نشان داده است که دیگر نمی‌شود به آن بعنوان یک پدیده سطحی و زودگذر اجتماعی برخورد کرد، بلکه پیشرفت زمان توسعه و ظایف، مسئولیت‌های سنگینی رابه مجریان طرح‌های ورزشی و افراد یک جامعه محول میکند، که انجام صحیح آن بدون اطلاع دقیق از هدف و ارزش علمی ورزش، جنبه‌های آموزشی و پرورشی آن و نقش اجتماعی ورزش، غیر ممکنست.

تاریخ تمدن بشری در دوران گذشته نشان داد که انقلاب صنعتی نه تنها باعث تحولات تکنیکی بزرگ گردید، بلکه از لحاظ اجتماعی و اقتصادی نیز دگرگونی عظیمی بوجود آورد. همراه با تحولات صنعتی و اجتماعی در جوامع مختلف دنیا، نه تنها وسائل و ابزار ورزشی از نظر تکنیکی تغییر یافت و در زمینه امکانات مادی-فنی ورزشی نیز انقلابی صورت گرفت و امر ورزش و تربیت بدنی کیفیتاً تحول یافت، بلکه دانش مربوط به ورزش نیز از کاروان شرایط جدید اجتماعی و ضروریاتی که تولید وسیعاً اجتماعی شده فراهم می‌آورد و همزمان با تحول عمیق جهان‌بینی‌ها و ایجاد رویانی جدید مطابق با شرایط نوین نظام سرمایه‌داری-دراستنباط که هنوز این نظام بالنده و مترقی بود و اندیشمندان آن از مواضع «برادری و آزادی»

در رابطه با عواملی که باعث میشوند شور انقلابی خلق در جهت مبارزه با امپریالیسم کاهشی پیدا کند می‌گوید: «مردم و یا ارگانهای سیاسی عوامل امپریالیسم را خوب نمی‌شناسند و چون عدم شناخت درست امپریالیسم ما رابه روشهای انحرافی و مخصوصاً بعد از انقلاب به لیبرالیسم میکشاند و این تصور پیدا میشود که با موضعمان را در میدان نبرد به

دکتر سامی: بیشترین انرژی و وقت ما باید صرف معرفی جنایات امپریالیسم در ایران و همه جای جهان شود

در رابطه با عواملی که باعث میشوند شور انقلابی خلق در جهت مبارزه با امپریالیسم کاهشی پیدا کند می‌گوید: «مردم و یا ارگانهای سیاسی عوامل امپریالیسم را خوب نمی‌شناسند و چون عدم شناخت درست امپریالیسم ما رابه روشهای انحرافی و مخصوصاً بعد از انقلاب به لیبرالیسم میکشاند و این تصور پیدا میشود که با موضعمان را در میدان نبرد به

مقامدا کره...

خط است: خط امام و خط «گام» به ازای لیبرال

و یا میگویند: چگونه میشود برای جلوگیری امپریالیسم از سلاح بیشتر به سلاحهای استراتژیک اتمی، امپریالیسم وارد مذاکره شد؟ ولی نمیشود «با آقای رفیعی» که امپریالیسم را «مذاکره» کند؟

یعنی اگر درست است که باید برای جلوگیری از تشدید و دوام سابقه تسلیماتی و از اینها برای جلوگیری از بروز خطر جنگ هستی-سوز جهانی مذاکره کرد، پس میتوان برای حفظ رژیم شاه بدون ناه نیز با امپریالیسم دولت آمریکا را مذاکره کرد؟

رای سرنگونی رژیم سرسپرده شاه مخلوع یکپارچه نیام کرده، وارد مذاکره شد!

پدینسان است که برای دفاع از موضعگیری سازشکارانه غیرقابل دفاع مخط گام بگام، استدلال اصطلاح «نویز» عرضه میشود. ولی هیچ استدلال نویزی نمیتواند «خطی» را که بر مبنای سازش با امپریالیسم آمریکا، برای ترمز کردن انقلاب آزادیبخش ایران، مقصد شده، توجیه کند.

مذاکره داریم تا مذاکره. اصل مذاکره را بیچسب رد نمیکنند. ولی کدام مذاکره، در کدام شرایط، از کدام موضع، برای رسیدن به کدام هدف؟ هر مذاکره را در شرایط مشخص، با در نظر گرفتن مبنای مذاکره و هدف مذاکره از جانب ریک از مذاکره کنندگان، میتوان و باید ارزیابی کرد. یک لحظه به غلط فرض کنیم که مذاکرات مابین مخط گام بگام، با نمایندگان آمریکا، برای رسیدن به سرنگونی رژیم سرسپرده و طرد امپریالیسم آمریکا بوده است. در چنین صورتی این سؤالها

طرح میشود که: چرا پس از پیروزی انقلاب ایران، همین هدف از جانب دولت موقت مقصد شد؟ مگر مخط گام بگام، ناراضی خود را از انقلاب اعلام نداشت؟ مگر علنا اعلام شد که مسه بهار بهار، غلط کردیم که انقلاب کردیم؟ مگر مخط گام بگام، نکوشید تا وابستگی ایران را به امپریالیسم حفظ کند، تحت این عنوان که چون وابسته هستیم بناچار باید وابسته بمانیم؟ مگر دولت موقت مجازات ضد انقلابیون و عمال خیانتکار و جنایتکار رژیم «آریامیری» را «تنگ» ندانست؟ مگر به هزار بهانه این دولت موقت از یاکسازي دستگاه دولتی جلوگیری نکرد؟ مگر یاکسازي و سوزی ارتش یا «تابودی ارتش» قلمداد نکرد؟ مگر ... مگر این مخط گام بگام، اینک برای تمام مردم ایران آفشاء نشده و تمام زیانیهای عظیمی که به انقلاب ایران وارد کرده، معلوم نگردیده، که هنوز هم مدافعان آن سعی دارند آنرا توجیه کنند؟ مسئله بر سر مذاکره است بطور کلی نیست. مسئله بر سر خط سازشکارانه است که قبل از پیروزی انقلاب، ابتدا بصورت تقدیم شکواییه در میان «دسته گل» برای جلب «حسن نیت» امریکای جنایتکار و کودتاگر، و سپس بصورت مذاکرات بحرمانه برای پیدا کردن «راه حل» حفظ محتوای رژیم، ضمن جستجوی «راه حل» تغییر شکل و پوسته آن انجام گرفته، و پس از پیروزی انقلاب، و علی رغم انقلاب، بمدت ۸ ماه با در دست داشتن قدرت دولتی ادامه یافته و هنوز هم طرفداران آن، نمایندگان بورژوازی لیبرال ایران، میخواهند آنرا بر انقلاب تحمیل کنند. این دیگر از آفتاب روشن تر است که دو خط، چه قبل و چه بعد از پیروزی نخستین مرحله انقلاب (سقوط رژیم شاه مخلوع) در برابر یکدیگر قرار

گرفته اند: یکی خط امام، یعنی خط قاطع ضد امپریالیستی و خلقی، خطی که استقلال ایران را در تمام ابعاد آن بطور کامل میخواهد، خطی که نوسازی ایران را بسود مستضعفین میطلبد، و دیگری خط «گام بگام»، خط سازش و مصالحه با امپریالیسم، خطی که استقلال ایران را فقط بطور نسبی و نیمبند امکانپذیر میداند، خطی که نوسازی ایران را به سود مستضعفین، بلکه بسود بورژوازی لیبرال میطلبد. توره های میلیونی خلق مستعبد و غارت شده ما بیرو و پشتیبان خط امام و مخالف خط «گام بگام» اند. نبرد بین این دو مخط، ادامه دارد. پیروزی خط امام، پیروزی انقلاب است. پیروزی خط «گام بگام»، راه به شکست انقلاب میرود. چنین است محتوای مسئله. دعوا و مبارزه بر سر محتوای این دو مخط است. والا مذاکره را بطور کلی هیچکس نفی نمیکند. منتها مذاکره داریم تا مذاکره.



شیطان بزرگ

اخبار دهقانی

نباید گذاشت دهقانان دهبون و رامین را از زمینها بیرون کنند!

دروستای دهبون و رامین چندین هکتار زمین وجود دارد که سالها بلااستفاده مانده و در مملکت یکی از زمینداران بزرگ بود، که هم اکنون فراری است. بعد از انقلاب، بدنبال فرمان امام خمینی، همچنین موافقت آقای عرب نماینده مجلس خیرگان و موافقت سپاه پاسداران، گروهی متشکل از ۲۰ نفر روستائیان حدود ۳۰ هکتار از این زمینها را به زیر کشت بردند. روستائیان با زحمات فراوان و بیخروج خود و پاکبازان بنیاد مستضعفین بر روی زمینها چاه زدند و باتیبه پدر تمامی همت خود را برای تولید کشاورزی بکار بردند. ولی متأسفانه اخیراً بدنبال تشبیهت عمال مالک قبلی، دادگاه دهقانان را بنیابا محکوم کرده و از آنها خواسته است که زمینها را ترک کنند. دهقانان دهبون بدنبال این تصمیم غیرانقلابی دادگاه، به وزارت کشاورزی شکایت کردند و موسم هستند شکایات خود را بگوش مراجع عالی اجرائی کشور برسانند.

مردم: در شرایطی که کشور ما برای رهائی از وابستگی به امپریالیسم نیاز به کار و کوشش همه جانبه و تولید هر چه بیشتر محصول و پایه ریزی اقتصاد سالم کشاورزی دارد و در شرایطی که دهقانان مابعد از سالها تحمل ستم اربابان، از انقلاب و ارگان های اجرائی آن انتظار عدالت اجتماعی دارند، چگونه میتوان رای دادگاه را بسود بزرگ مالکان فراری توجیه کرد؟ ما انتظار داریم که دادگاهها رای و تصمیمات خود را منطبق با اهداف انقلاب و منافع زحمتکشسان صادر کنند و فرموده امام را از یاد نبرند که این انقلاب را مستضعفان کردند و آنها هستند که باید از ثمرات آن بهره مند شوند. گویا کردن دست مالکان بزرگ و شناختن حق دهقانان بر زمین، ابتدائی ترین وظیفه این دادگاهها است.

اربابان، نظام انقلابی را نادیده میگیرند، ولی دهقانان بیدارند و از حق خود دفاع میکنند

روستائیان گشت رودخان (واقع در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان فومن) در نامه ای به آقای استاد رضا اصفهانی، معاون وزارت کشاورزی، حمایت خود را از برنامه های انقلابی اصلاحات ارضی اعلام کردند. این روستائیان در نامه خود ضمن اعتراض به اعمال ضد انسانی و ضد ملی دروسی ایل عباسی، خواستار جلوگیری از اعمال این افراد شدند. روستائیان در نامه خود می نویسند:

روستای گشت رودخان و روستاهای اطراف آن از مسالهای بیش یکی از نواحی فودال نشین مناطق کشاورزی منطقه فومنات بوده است. در همین روستا در سالهای دور، اشخاصی تحت نام «ایل عباسی» دست بنارت کشاورزان می زدند.

بسیاری روستائیان در نامه خود می نویسند که «اهالی منطقه این افراد را با توجه به جایاتشان با صیونست ها قابل مقایسه می دانند». نمونه ای از افراد تکراری این افراد این است که (۴۸ رأس گاو را از محلی بنام مالک کور بر احتی غارت نمودند و به ناموس مردم منطقه نیز تجاوز کردند).

روستائیان در پایان نامه خود می نویسند که «اخیراً روستای این ایل دست به غارت درختان جنگلی کوه های گشت رودخان زده اند و در این راه از هیچگونه نسیب و نسیب نسبت به مردم دریغ نمی ورزند. مالک کوران کشاورزی که سالهای سال تیغ رژیم طساقونی برگردانان سنگینی نموده است، در عصر جمهوری اسلامی ایران و با وجود انقلابیونی مانند شما استاد گرامی هرگز مایل نیستیم که همچنان تحت قیومت جلالدانی مانند عسکریها زندگی کنیم».

در زیر نامه بیش از ۲۰ اثر انگشت و امضا دیده میشود.

کمبود آب، تولید کشاورزی در «بالا محلگشت» را به مخاطره می اندازد

بسیاری از کشاورزان فاقد آب کافی برای تولید کشاورزی هستند. کمبود آب به عنوان مسئله ای جدی برای دهقانان مسال مطرح است. از جمله روستائیان بالا محلگشت، بالاداد باغ ویر و یوسف و توابع، واقع در استان گیلان، به علت کمبود آب در مضیقه قرار گرفته اند. روستائیان طی نامه ای با امضا و اثر انگشت بیش از ۶۰ نفر به استاندار گیلان، تقاضای شروع خود، یعنی رفع کمبود آب در منطقه را اعلام کردند و راه حل مشکل را این نشان دادند. در این نامه آمده است:

«زمین های اینجانبان که بسوسله ماشین آلات کشاورزی کشت کاری میشود، فقط با آب باران، که از آسمان بلطف الهی داخل رودخانه کوچک محل جاری میشود، کشت کاری میگردد. این روستائیان در نامه خود از مقامات مسئول سازمان آب و برق منطقه شمال خواستار ایجاد سد یا کانال کشی از منابع موجود هستند و می خواهند طبق قوانین آب کافی برای آنها تامین گردد».

روستائیان مصممانه در برابر فتودالها ایستادگی میکنند

اخیراً در نوشت نامه ای از روستائیان دهدوشاب از توابع منطقه رودبار الموت، به دفتر مردم، رسید. این نامه حاکیست که روستائیان با آگاهی کامل و با اتکاء به نیروی خود در برابر اعمال نفوذ فتودالها مقاومت میکنند و از مقامات مسئول خواستار حمایت و رسیدگی به وضع آشفته خود هستند.

روستائیان در نامه خود می نویسند:

«هم اکنون یکسال از پیروزی انقلاب میگذرد. باز شاهد رشد سیستم فتودالیسم و اعمال ضد مردمی مالکان هستیم. اربابان از ما هستیم که با افتخاری و پرده برداری از روی جلدان و چیر-خون می توانیم دست به تصفیه و پاکسازی بزنیم. ما اهالی روستای دهدوشاب هر گونه زمین بازی و زمین داری و فتودالیسم را محکوم کرده و دست به افتخاری مالکان زمین میزنیم و معتقد ما کشاورزان بر این است که بایستی زمین در دست کشاورزی باشد که روی آن کار میکند».

این نامه با امضا و اثر انگشت بیش از ۵۰ نفر از روستائیان تأیید شده است.

رزش را همگانی کنیم!

اقتصادی نوین را میطلبید. بزودی معلوم کردید که یک تحول ورزشی، بدون ترقی و تعالی فرهنگ، امکانپذیر نیست. تجربه پرورش و در عمل نشان داد که ورزش در یک جامعه بطور محزا و به تنهایی بوجود نمی آید و رشد نمی کند. در انزوا نیز ترقی نخواهد کرد.

ورزش جزئی از فرهنگ هر جامعه است و بدیده های ورزشی نیز جزئی از بدیده های فرهنگ هستند. ورزش بمعنای جامع و امیل خود نمی تواند در جامعه ای بطور انفرادی انجام گیرد و مسلماً نتیجه ای بیار نخواهد آورد و هر قدر هم به استعداد یا علاقه یک یا چند فرد متکی باشد، بزودی پژمرده خواهد شد.

پس بین فرهنگ و ورزش، بین شرایط اجتماعی و رشد ورزش، روابط محکم و متقابل وجود دارد و این روابط قدرت تأثیر و تقدیه معنوی متقابل را فراهم می آورد. اگر این رابطه برقرار نباشد و بجای روابط اجتماعی منظم بین ورزش و فرهنگ، نوعی بی نظمی و دگرگونی بوجود آید و ورزشکاران و دوستداران ورزش فعالیت های خود را بر اساس تکروی و انفرادی بنا نهند، بزودی به بن بست خواهند رسید. و ورزش شکوفا نخواهد شد و امره اجتماعی آن پدیدار نخواهد گردید.

رویدادهای ورزشی نیز بصورت عدم وجود ارتباط مستقیم با فرهنگ، بدون ارزشیابی علمی و فرهنگی، پس از مدت کوتاهی از خطاها محو میگردد. در چنین وضعی ورزشکاران بر اثر بی توجهی و یا در اثر ناآشنائی با ریشه های فرهنگی، دارای برداشت سطحی از ورزش خواهند بود. در اینصورت بدون درک و اطلاع از ذخائر فرهنگی ورزش، حرکتی را به عنوان ورزش تقلید میکنند و بتدریج ورزش بصورت ملی مجاهدین در سطح کشور، بویژه آنچه در تهران و قلمشهر و شیراز روی داده است، حاکی از نقشه های انحرافی و از پیش طرح شده نیست، که هدف آن در حال حاضر محروم کردن مردم از یک انتخابات آزاد و سالم است و در آینده کشاندن جامعه انقلابی ایران بسوی مخاضعات درونی و جنگ داخلی و زمینه سازی برای یک دیکتاتوری نظامی و فاشیسم نوین و بالاخره پیروزی ضدانقلاب؟

شواهد عینی که هر روزناظر آن هستیم این احتمال را تقویت می کند. اینگونه گرایش ها و احوال

غیر عللانه که گوشه ای از یک گرایش رو به رشد و ناشی از پیش های قتری و فرصت طلبانه است شدیداً متعرض بوده و اعلام می نماید که سرخوش این گرایشها و عملیات جزئی تفصیف انقلاب اسلامی و پیروزی ضد انقلاب و بازگشت استعمار چیزی نیست. این عملیات جامعه مارکسوی برادر کشی و جنگ داخلی سوق میدهد و ما تا آنجا که در توان داریم نسبت به تحقیق و اشنائی حقایق اوضاع و حوادث و مبارزه با مبنای تکوین یک دیکتاتوری نوین اقدام خواهیم نمود تا اقدام انقلاب اسلامی تضمین گردد.

انقلاب اسلامی تطابق دارد و نه با اصول و ضوابط قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مگر قانون اساسی جمهوری اسلامی آزادی افکار و فعالیت های سیاسی و مکتبی و تسلیت آرزو را تضمین نکرده است؟

مگر مکتب اسلام در طول تاریخ در برخورد با افکسار و آراء مختلف، اهم از اسلامی و غیر اسلامی از وسعت نظر و تساهلی نظیر برخورداری نبوده است؟ اشنائی همان مشخصه ای که وجه تمایز و افتراق اسلام و مسلمین نسبت به سایر مذاهب و مسلک های توحیدی و تیر توحیدی بوده و

اعلام خطر دکتر حبیبی و مهندس تابی در مورد حوادث چند روز اخیر

دوندانه ای در حال رشد. توسعه یافته است که قلبیت خطر و انحراف آنها بر ماحیان پیشین تجربه سبب و مکتبی پوشیده نیست. تاسید و مسئولیت اسلامی و انقلابی ایجاب می کند که نسبت به این گرایشها و اعمال ناشی از آنها ساکت ننشست و قویا اسلام خطر نموده و برای مقابله با آن و اصلاح و در صورت ضرورت حذف آن از سیر انقلاب ایران مبارزه نمائیم. آیا حوادث چند روز اخیر

لتر حسن حبیبی و مهندس له سعایی دو عضو شورای ملی یبایه مشترکی حمله ناعاریت و مراکز مجاهدین کوم کرده و آنرا نقشه از فرح شده ای برای محروم مردم از انتخابات آزاد و انستاد. متن یبایه کتر و مینس سعایی به این است:

بسمه تعالی

لاب اسلامی ایران در این سرحلی سخت و تمیین

اخبار کارگری

در کارگاههای موزایک سازی اهر

در شهرستان اهر چندین کارگاه موزایک سازی وجود دارد که در هر کدام از ۴ تا ۱۱ نفر کارگر کار میکنند. کار در این کارگاهها بنحایت شاق است، بطوریکه هیچ کارگری قادر نیست بطور دائم در کارگاههای موزایک سازی کار کند. از اینجاست است که کارفرمایان سعی میکنند از نیروی کارگران مهاجر روستاها استفاده کنند. آنان بهره کشی راه حادترین صورت ممکن در کارگاهها ادامه میدهند. به یکی از کارگاههای موزایک سازی، تا از وضع کارگران مطلع شویم:

در این کارگاه چندین از کارگران کنترالی کار میکنند و بقیه بصورت روزمزد. تولید کارگاه: موزایک، پایه در، لوله های سیمانی، غوض و... است که محصولات آن در خود شهر و روستاهای اطراف و متشکین شهر و... خریدار دارد. این کارگاه بصورت فصلی کار میکند، بدین معنی که مدتی موزایک و غوض و غیره میریزند و بعد کار را تعطیل میکنند، تا تولید کارگاه بفروشی برسد. وضع کارگران را از زبان خودشان بشنویم:

یکی از کارگران میگفت که: «۵ سال است اینجا کار میکنم. روزی ۸۰ تومان مزد میگیرم. (کنترات) جمعه ها و سایر روزهایی تعطیل نیز، اگر کار بکنم، مزد میگیرم. خودم کشاورز هستم. بیون کار کشاورزی کفاف معاش ما را نمیدهد، هر چند بیکار در اهر کار میکنم تا زندگیمان بچرخد.»

یکی دیگر از کارگران میگوید: «دو سال است اینجا کار میکنم. بیمه نیست. زمان طاقت نمیگذاشتند، حالا هم نمیگذازند بیمه بشویم. از سایر مزایا و لباس کار و... محروم هستیم.» کارگر دیگری چنین میگوید: «روزی ۵۰ تومان مزد میگیرم و روزمزد کار میکنم. مدت سه سال است که در این کارگاه کار میکنم. ما چند نفر هستیم که همگی ۵۰ تومان مزد میگیریم. از بیمه و... خبری نیست.»

در این کارگاه و کارگاههای نظیر آن، از حداقل حقوق تعیین شده از طرف وزارت کار خبری نیست، بطوریکه کارفرمایان اظهار بی اطلاعی میکنند که: «چنین چیزی نشنیده ام!» لباس کار و خوراکی و... داده نمیشود. آنها نیز که کنترالی کار میکنند تا ۱۰۰ تومان مزد میگیرند و بقیه همگی بصورت روزمزد و با مزد روزانه ۵۰ تومان کار میکنند. جمعه ها و غیره نیز تعطیلی ندارند. اگر روزی کار کنند مزد میگیرند و در دفتر اینصورت نه. لازم به یاد آوری است که کارفرمایان بخواهند پناهی در دوران کارگاه در اختیار کارگران گذاشته است و آنها شبها همانجا سیری میکنند.

همت کارگران شرکت «اتانش» در اهواز

شرکت «اتانش» در کوی گلستان اهواز واقع شده و حدود ۳۰ نفر کارگر دارد کار این شرکت ساختن بیمارستان روانی و متادین اهواز است. بعلت فرار بیمانکار این شرکت به آمریکا مدت چهار ماه کارگاه بحالت بلاتکلیف در آمده بود، در نتیجه کارگران از دریافت حقوق و مزایا محروم ماندند.

سرپرست و مسئولین کارگاه با وجود مشکلات فراوان، با بیگیری بکار خود ادامه دادند و با تأمین اعتبار از کارکرد کارگران، روح تازه ای به کارگاه دادند.

دقیقه رفته وضع کارگاه میرفت بحال عادی در آید که ناگهان سروکله عده ای از سرمایه داران، که از بیمانکار فراری طلبکار بودند، پیدا شد. سرمایه داران در صدد ضبط اموال و در نتیجه به تعطیل کشاندن کارگاه برآمدند، ولی با همت کارگران از این عمل ضدانقلابی آنها، که منجر به بیکاری کارگران و نارضامی تراسی میشد، جلوگیری بعمل آمد. در ضمن بعلت عدم توجه مسئولین دولتی و اداری، بودجه بیمارستان که سال گذشته بالغ بر ۱۰ میلیون بود، جذب نشد، در حالیکه میتوانست جذب شود.

مردم اهواز خواهند آند که بیمارستان روانی و متادین- باتوجه به مسئله حاد متادین- بزودی آماده بهره برداری شود.

چرا اموال محمد جواد مرید را مصادره نمی کنید؟

کارگران بیمانکاری محمد جواد مرید خواستار مصادره اموال او و واگذاری آن به شرکت نفت هستند.

محمد جواد مرید یکی از فراماسورها و شورش گردان دژیم منفور پهلوی است. او در زمان رژیم شاه مخلوع از بیمانکاران شرکت نفت در گچساران بود. وی با یاری انقلاب از ایران فرار کرد، ولی قراردادهای و اموال او با رجا باقی ماند و حسی وکیل، پول قراردادهای او را از شرکت نفت دریافت کرد. پس از فرار محمد جواد مرید، کارگران بیمانکاری او دست به انتصاب زدند. آنها خواستار مصادره اموال او شدند، چون این بیمانکاری برای شرکت نفت کار می کند، کارگران و کارمندان آن نیز باید در اختیار شرکت نفت قرار بگیرند. کمیته فنی شورای کارکنان صنعت نفت هم معتقد است که این اموال در حقیقت متعلق به ملت است و باید مصادره شود و در اختیار شرکت نفت قرار گیرد.

تعداد کارکنان این بیمانکاری نزدیک به ۱۸۰ نفر است و در شرایط نسبی بسر می برند. آنان از حق ممکن و دیگر مزایا برخوردار نیستند.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

کارگران را در یابید!

اداره بندر «کشتی رانی» بوشهر
• ۱۷ نفر از کارگران روزمزد اداره بندر و کشتی رانی بوشهر پس از ۱۵ سال کار کردن (بخوان جان کندن) به علت نامعلوم اخراج شده اند. این کارگران به مدیرعامل اداره بندر و کشتی رانی شکایت کرده اند، به آقای مینایی (مدیر کل اداره بندر) نیز مراجعه کرده اند، ولی نتیجه ای بدست نیامده است.
از این کارگران فقط سه نفر بازگشته شده اند، بقیه از مزایا و حقوق بازگشتگی محروم اند.

در «وایس فرایتال»
• در کارگاه وایس فرایتال ۴۴ نفر از کارگران بدستور کارفرما اخراج شده اند. شورای کارگاه، بدست در برابر خودکامی کارفرما و بعنوان دفاع از کارگران ایستادگی میکند. کارگران زیر فشار کوشش زندگی، گرانی و بیکاری خرد شده اند.
حلب اینجاست که کارفرما سعی دارد کارگران اخراجی و دیگر کارگران را در برابر هم قرار دهد، ولی کارگران با «شیاری این توطئه» را نقش بر آب کرده اند.

کند، دندانپاشی را توی دهنش می ریزم! کارگران اخراجی به تفاوت از چهار تا هفت سال سابقه کار در این شرکت دارند. در این شرکت پیش از انقلاب حقوق ماهانه ۱۲۰۰-۱۰۰۰ تومان بود. این مبلغ بعداً به ۱۷۰۰ تومان افزایش یافت. کارگران این شرکت چند ماسی است بیمه شده اند، اما دفترچه بیمه آنها فقط در بیمارستان ششم بهمن سابق اعتبار دارد. خود کارگران میگویند:
• «فمن هفت سال تمام پسرای این شرکت کلنگ زده ام. الان کارم را از من گرفته اند. دو راه بیشتر ندارم: یا از گرسنگی بمیرم یا سر کار بروم.»
• «هفت تا چهارم، مسکن ندارم. خیلی هم بدبختم. با این کمبود کار و این همه نارضاحتی زن و بچه و بی پولی کجا بروم؟ چکار کنم؟»
• «در آلوتکی که مال برادرم است، زندگی می کنم. یک شامی پسرانداز یا درآمد ندارم. از زن و فرزندم خجالت می کشم. اگر محض رضای خدا دوباره بامر کار برگردم که هیچ. در غیر این صورت مجبورم دست گدایی بطرف این و آن دراز کنم.»
• «مام خمینی همیشه بفکر مستضعفین است، ولی کو گوش شنوا؟»

انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران یکساله شد. این انقلاب با خون دهمها زارتن از شریفترین مردم این دیار - از کودک و جوان، از زن و مرد آبیاری شد و هنوز هم در مسیر پرتلاطم خود برای فراوانیدن و تمهیق هر چه بیشتر، از جانبهای پاکترین فرزندان این وطن مایه میگیرد. گذشته از این انقلاب در زمینهای متعددی با چهره های گوناگون ضد انقلاب رودر روست. از جمله کمبود مواد غذایی و در پی آن چهره گریه مشتی سرمایه دار سودجو، که این مواد حیاتی را احتکار می کنند و گرانی و گرانیفروشی را رواج میدهند. مهمتر از همه، «بیکاری»، که به شهادت تاریخ، پاره ها به وسیله ای برای ترمز کردن انقلابیها بدست دشمن میداشته است و یکی از مهلکترین ضرباتی است که می تواند از درون جامعه بر بیکر نظامهای ناپاوه فرود آید. در این پاره ما پاره نوشته ایم و هشدار داده ایم و ضرورت تکرار و اصرار بجای خود باقی است. گزارشهای رسیده از اخراج مداوم کارگران خبر می دهند:

شرکت «سپریپ»
مدتی پیش ۵ تن از کارگران فنی خود را اخراج کرد. دو نفر از این کارگران اخراجی با سابقه یکسال کار برای این شرکت، بدون توبه حساب و باز خرید سنوات خدمت، اخراج شده اند. این کارگران در طول مدت اشتغال خود، با وجود کسر مبلغی به عنوان حق بیمه از حقوق ماهانه شان، دفترچه بیمه نداشته اند و از مزایای شغلی دیگر هم بهره مند نبوده اند. با وجود این، کارگران حاضرند، از تمام مزایای شغلی چشمپوشی کنند، ولی بکار سابق خود بازگردند!

برق ژاله
• برق منطقه ای ژاله چهار نفر از کارگران خود را اخراج کرد. سه نفر از این کارگران که یکی از آنها دارای دوازده سال سابقه کار است، با شکایت به وزارت کار، مجدداً سرکار رفتند. کارگر دیگری هنوز بلاتکلیف است.

شرکت عمران منظریه تبریز
• چهارتن از کارگران شرکت عمران منظریه تبریز به بهانه کمبود کار، بوسیله کارفرما اخراج شده اند. کارفرمای این شرکت، شخصی بنام «ناصری»، به کارگران اخراجی گفته است: «به هر کجا و به هر کس که دلشان خواست شکایت کنید!»
یکی از عوامل این کارفرما شخصی است بنام «یوسف»، که به کارگران میگوید: «من نه خدا می شناسم، نه خمینی، نه کس دیگر. هر کس از رئیس شکایت

شرکت «سپریپ»
• سه نفر از کارگران بیمانی شرکت سپریپ اخراج شده اند. بهانه اخراج این کارگران بومی نداشتن کار عنوان شده است. این شرکت مختلط ایرانی - ایتالیایی، که بهره برداری از معادن نفتی منطقه پسرگان را به عهده دارد، از پرداخت حقوق اخراجی کارگران خودداری می کند. کارگران اخراجی که کار می خواهند، به «اخلاکری» و «مخراپکاری» متهم شده اند!

در «سایگریه»
• شرکت ساختمانی «سایگریه» (تهران - میدان ولی) که هم اکنون دست اندر کار ساختن یک دستگاه کارخانه بافتنی به نام کارخانه «بافت بلوچ» در ایران است، یکسال پیش ۱۰ تن از کارگران ماهی و نیمه ماهی این شرکت را اخراج کرد. کارگران اخراجی تاکنون از طرح دعوی خود نتیجه ای نگرفته اند. جانب اینجاست که صاحبان شرکت «سایگریه» در ازای کسر حق بیمه از حقوق ماهانه کارگران، دفترچه بیمه برای آنان صادر نکرده اند و هیچیک از مزایای قانونی شغلی را برای آنان در نظر نمی گرفته اند.

پل سنگ سنندج
• شرکت ساختمانی «پل سنگ سنندج» (تهران - میدان رضائیها)، که مشغول ساختن چاهخانه بانگ مرکزی ایران است،

کارگران به حق می پرسند: چرا وزارت کار و ادارات کارایی به دفاع از منافع کارگران نمی پردازد؟ ارتش میلیون ها بیکار است - که متأسفانه هنوز هم آمار دقیقی از آنها برآورد نشده است - نباید به عاملی در اختیار صاحبان و وسایل تولید در جهت تعدید و تسهیل کارگران شاغل مبدل شوند و جلوگیری از این امر، از وظایف مستقیم وزارت کار و ادارات کارایی است.

کارگران به حق می پرسند: چرا هیئت های حل اختلاف و بازرسی کار، که در اداره کل روابط کار متمرکز شده اند، هر بایگانی کردن شکایات زحمتکشان و چانه زدنهای بی سرانجام با کارفرمایان بر سر چند صد ریال ناقابل از حقوق پایمال شده ما، که انهم به قیمت هزارها تومان خرج رفت و آمد از این اداره به ان وزارتخانه و به قیمت تلف شدن روزها و ماهها وقت و انرژی، که باید در خدمت بازسازی و نرسازی و نطمینان صرف شود، که انهم به حساب جیبهای خالی ما تمام می شود، کاری نمی کنند؟

• کارگران را دریابید!
• جلوی سوءاستفاده های صاحبان خصوصی وسایل تولید و مدیران ضد انقلابی کارخانه ها را بگیرید!
• نگذارید خواسته های پر حق زحمتکشان ایران به عاملی در جهت خنده دار کردن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی توده های میلیونی خلق ما بدل شود!

کارکنان شرکت ملی صنایع پتروشیمی چه می خواهند؟
دلار به کارخانه زیان وارد کرده و باعث فرسودگی و از کار افتادگی دستگاهها شده است.
۳ - مسائل رفاهی - نماینده شورای مرکزی کارگران به مشکلات و کمبودهای رفاهی، از جمله نداشتن مسکن مناسب، نبودن وسیله مناسب ایاب و ذهاب، بی توجهی به خواسته های کارگران در زمینه تأمین وام مسکن و... اشاره کرد و خواستار اقدامات مقتضی برای رفع این مشکلات شد.
در این جلسه عدم شرکت کارگران در تصمیم گیری ها مورد انتقاد قرار گرفت و اجحاف و ستمی که از طریق بیمانکاران بر سر کارگران بیمانی وارد میشود، تشریح شد. نمایندگان خواستار برکناری بیمانکاران و تحویل کارها به شورای کارگران بیمانی یا استخدام رسمی این کارگران شدند. در این رابطه قرار مشخص بر این نهاده شد که شورای مرکزی کارگران بطور موقت بر برداشت دستمزد کارگران بیمانکاران نظارت کند. یکی دیگر از نمایندگان شورای کارگری در مورد عدم واگذاری امکانات به کارگاه مرکزی شرکت، کمبود پرسنل متخصص و عدم آموزش کارگران صحبت کرد. او نمونه ای از یک «کار» را که قبلاً از خارج تأمین می شد، نشان داد و گفت: «در حال حاضر ما خودمان در کارگاه مرکزی مجتمع این وسایل را می سازیم و در صورتی که امکانات، وسایل و اجزاء استخدام کارکنان متخصصی بنا داده شود، کمبودی نخواهیم داشت.»
در طی این جلسه گرچه سرپرست مجتمع، که در بین کارکنان از وجهه خوبی برخوردار است، از خواسته های کارکنان، بویژه کارگران دفاع می کرد، با این حال از طرف مدیران صنایع پاسخ قانع کننده ای داده نشد.

چندی پیش جلسه ای با شرکت نمایندگان شوراهای کارگاهی شورای مرکزی و هیئت مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی مرکب از مدیر عملیات، مدیر اداری، مالی و حقوقی در محل مجتمع رازی برگزار شد.
شوراها در این نشست مسائلی را بررسی کردند، که اهم آن بقرار زیر است:

۱ - پاکسازی - عناصر وابسته به رژیم طاغوتی، که پیش از این دارای پست های مدیریت شرکت شیمیایی رازی بودند، پس از انقلاب طرد شدند، ولی در حال حاضر در تهران سمت هایی به آنان واگذار شده است. از جمله این افراد رئیس فنی تدارکات کالای صنایع ملی پتروشیمی را می توان ذکر کرد که جریان حیاتی صنعت پتروشیمی است.
شخص دیگری که ملی اعتصاب بزرگ کارکنان مجتمع شیمیایی رازی با امضای نامه ای خواستار سرکوب اعتصاب بوسیله عوامل سفک رژیم گذشته بوده، در تبلیغ بود رژیم از هیچ فعالیتی روی گردان نبوده است، اکنون بنابه گفته معاون وزارت نفت شخصی انقلابی تلقی شده و از او برای خدمت در وزارت نفت دعوت بعمل آمده است. از دیگر عوامل رژیم گذشته، که در سرکوب کارکنان اختصاصی مجتمع نفتی داشتند، می توان رئیس فنی کارخانه مصلحین را نام برد. شورا خواستار ادامه پاکسازی و تصفیه عناصر فوق الذکر شد.

۲ - اختیارات - مجتمع به اختیارات بیشتری نیاز دارد تا بدون قریاس بازی نیازهای خود را از هر جهت تأمین کند. در این زمینه گفته شد که تمرکز بیش از حد در مرکز مجتمع صنایع پتروشیمی (در تهران) به یکدیگر کارها منجر شده است.
از جمله تصمیم های نادرست مدیریت، که ناشی از این تمرکز و بوروکراسی حاکم بر آن است، می توان از خرید سنگ فسفات از اردن نام برد. این سنگ فسفات قبلاً نامرغوب تشخیص داده شده بود و خرید کنونی از کشاوردان معادل هشتصد هزار

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، می توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۱ صبح و از ۱۲ تا ۱۴ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند، در شهرستانها نیز دفاتر حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است.
متقاضیان هنگام ثبت نام حتماً شناسنامه خود را همراه داشته باشند.

گرانی روز افزون هزینه زندگی پر دوش زحمتکشان سنگینی می کند

آقای کورت والد هایم دیر کل سازمان ملل است یا کار گزار کار تر؟

سالمط کرد. ملت ایران در مقابل این خاندان کثیف و آمریکای عملی آنان دست از مبارزات بر حق خویش برنمیدارد و نخواهد برداشت.

دولت ایران و جناب آقای رئیس جمهوری تمام کوشش و سیعشان را در استرداد شاه خائن و اعدام او ملت ایران از او بماند، که ملت دلیر دست از این خواست برحقشان برنمیدارند و قدمی عقب نمیگذارند...

این چنین است خواست خلق، که بزبان امام جاری میشود. وظایف کمیسیون تحقیق تنها در جمع آوری اسناد جنایت شاه مخلوع و امریکا باید محدود بماند و امیدواری ما اینست که کمیسیون تدارک شده بود، بیش از آن اهمیت دارد که بتوان سادگی از کنار آن گذشت. ما با دیگر بگفته قاطع و سریع و روشن امام استناد می-جوئیم که بیانگر خواست بحق همه انقلابیون راستین ایران است.

«کشتار دسته جمعی و زندان و شکنجه و تبعید از امور رایج این رژیم پلید بود. شاه بحمايت و پشتیبانی دولت آمریکا بساین جنایت وحشیانه دست زد و ملت ما را از هستی

کرده بود و در حقیقت قافیه را باخت. با اینکه با کمال تأسف، آنچنان شخصی در آنچنان موقعیت جهانی و در این چنین دوران توفانی، حیثیت و اعتبار مقام خود را در گرو اجرای دستور آقای جیمی - کارتر گذاشت ولی با همه تلاشی که برای تهیه مقدمات کار میدول داشت، با وجود همه دید و یازدیدها و قول و قرارهای پشت پرده و در لحظاتی که وی خود را در این مأموریت موفق گمان میکرد، یک پیام امام کافی بود که نامرستهها را بپزد و کله کله کند و همه توطئه گران را برهنند. این بهم خوردن یک توطئه گسترده، کدر حقیقت علیه روند انقلابی ایران تدارک شده بود، بیش از آن اهمیت دارد که بتوان سادگی از کنار آن گذشت. ما با دیگر بگفته قاطع و سریع و روشن امام استناد می-جوئیم که بیانگر خواست بحق همه انقلابیون راستین ایران است.

«کشتار دسته جمعی و زندان و شکنجه و تبعید از امور رایج این رژیم پلید بود. شاه بحمايت و پشتیبانی دولت آمریکا بساین جنایت وحشیانه دست زد و ملت ما را از هستی

است که بایران بیاید و اگر بتواند در ایران زمینهای را آماده سازد که در قبال اقدامات محدودی از طرف کمیسیون برای تحقیق در جنایات شاه مخلوع و امریکا، مقدمات آزادی جاسوسان امریکایی را، که بخلط عنوان «گروگان» روی آنها گذاشته اند، فراهم سازد، بخوبی که آمریکا بدون اینکه کوچکترین امتیازی بایران بدهد، بزرگترین امتیاز را از ایران بگیرد، شایه ای که چند روز در صفحات روزنامهها منعکس بود مبنی بر اینکه جاسوسان امریکایی شاید در همین یک دو هفته آزاد شوند، از این بندوبست های پشت پرده سرچشمه می گرفت.

ولی آقای والد هایم نیز در رسیدن باین هدف بوده است. اما اطلاعات واصله بعدی حکایت از آن داد که موضوع ملاقات محرمانه سائرس و وی و آقای دیر کل سازمان ملل متحد، در حد این سفارت محدود نبوده و اساساً دستور کار والد هایم از طرف کارتر تدوین و توسط آقای وزیر خارجه آمریکا بوی ابلاغ شده است. دیر کل سازمان ملل پس از مراجعت از ایران گزارشی کارخورد را قبل از آنکه بخسود سازمان بدهد، به آقای کارتر تقدیم داد، و حتی تمام گزارشی که کارتر داده شده، در خود سازمان منعکس نشده است.

مأموریت والد هایم طبق دستور کارتر در این زمینه دور میسرده بطور قطع میتوانیم نتیجه بگیریم که جناب ایشان دارای قدرت روحی و اخلاقی لازم، که کماشایسته فردی در موقعیت اوست، نبوده و نتوانسته است از این کوره آزمایش صاف و بی غل و غش بیرون آید.

«کمیسیون تحقیق برای رسیدگی بجنایات شاه مخلوع» (مردم شناده ۱۷۶) تذکر داده شده که قبل از عزیمت کورت والد هایم بایران وزیر خارجه آمریکا شتا بزده خود را به نیویورک رسانیده و محرمانه با آقای دیر کل سازمان به گفتگو داشته است و این سفر شتا بزده اصولاً بمنظور محدود ساختن اختیارات کمیسیون بین المللی و استفاده از نفوذ والد هایم برای

کثرت های مستعمره و وابسته نیز تحولات بنیادی بوقوع پیوست. آنها توانستند نمایندگان آزاد خود را به سازمان ملل اعزام دارند و این مرکز حل و فصل مسائل جهانی رو بین المللی بتدریج استقلال عمل خود را بدست آورد. هم این روندها نمیتوانست در انتخاب دیر کل سازمان، بمتوان یک فرد مستقل، که بدون وابستگی خاص باین مسند بنشیند، تأثیر نگذارد.

آقای کورت والد هایم نیز در آغاز کار با گرفتن چنین قیافه ای باین مقام ولادت یافت و کمابیش گمان میرفت که در امور سازمان درجهتی که با شرافت این موقعیت متنازعگانی سازگار باشد، عمل کند.

ولی حوادث اخیر و آنچه در ایران رخ داد و روشی که آقای دیر کل سازمان ملل در پیش گرفت علی رغم شکل ظاهری بر خود سازمان ملل با این مسائل بخوبی بیاتر این واقعیت بود که والد هایم ساگر بسیار خوش بین باشیم و نکوئیم از همان آغاز سرسپرده امریکاییسم آمریکایه است -

سازمان ملل متحد در آغاز فعالیت خود، بعلت شرایط خاص آن روزگاران، شرایطی که دوران آنها سپری شده و دیگر بازگشتنی نیستند، قبول قدرتهای امپریالیستی و در رأس آنها امپریالیسم امریکایی و نمایندگان کشورهای وابسته باین قدرتها بود. دیر کلها معمولاً ازین افراد سرسپرده و مورد اطمنان قدرتهای امپریالیستی انتخاب میشدند. جلسات سازمان میدان تاخت و تاز استعمارگران کهنه و تازه بود و بمشابه یک کنوئع ماشین رای گیری بسود مقاصد و هدفهای تجاوزکارانه امپریالیستی عمل میکرد.

ولی این حالت یکسانزی قدرتهای امپریالیستی نمیتوانست دیری بماند. دوران قدر قدرتی امپریالیسم که با پایان جنگ جهانی دوم متزلزل شده بود، سپری گردید. با تغییر بسود قوا بسود جنبه نیروهای ضد امپریالیستی که در مرکز آن جامعه کشور های سوسیالیستی قرار دارد، در

یکی از عمده ترین اهداف انقلاب ایران، که انقلاب علیه تمامی وجوه سلطه امپریالیسم در مین ماست، عبارتست از زدودن مظاهر نفوذ فرهنگ استعماری و «آریامهری» در آموزش و پرورش کشور، که طی دوران حاکمیت سلسله پهلوی در سوج آن رخنه کرده و آثارا یمنار ساخته است.

نخستین گام در این راه تجدیدنظر اساسی و بنیادی در نظام آموزشی کشور است. تا کوردگان ما را از بدآموزیها، کج آموزشها، بی اخلاقیها، کم سوادی و بیگانهگی با مسائل زندگی واقعیها ساخته، آثارا با احساس مسئولیت اجتماعی و اخلاقی، اعتماد بنفس، زیست به اراده، شوق به مردم و مین، دوستی میان خلقها، صلح و همبستگی جهانی بیورد و آثارا چنان آموزش دهده که دانستنیهای امروزشان، دستگیر خود و کشورشان در دنیای فردا، دنیای قرن ۲۱، که قرن اعجاز، علموتکنیک است، باشد. فراموش نکنیم که کوردگان امروز، مدیران و رهبران فردا خواهند بود و ما باید از امروز آثارا چنان آموزش دهیم و چنان برایشان برنامه ریزی کنیم، که سگاندانان شایسته ای برای فردای کشور باشند و مین خویش رابیسوی مرزهای متعالی پیشرفت و تکامل راهبر شوند.

تجدیدنظر در نظام آموزشی جبات گوناگونی دارد. نخست باید کتابهای درسی را از نو نوشت. چنان نوشت که محتوی آن، هم با ژتات انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ما باشد و هم معلومات لازم را متناسب با ضرورت جهان کنونی و فردای ما، که جهان پیشرفته ای حیرت زای دانش و فن است، بکوردگان ما بدهد. به آثارا بیاموزد که برای برگردن دره عمیقی که مین ما را از کشورهای پیشرفته صنعتی جدا ساخته، بچگونه راه رشد، یکدم برنامه ریزی، بچه کارد انسانی و بچه ایشان را وفداکاریهای فردی و جمعی، ملی دهها سال نیاز مندیم. بنابراین کتابهای درسی ما باید بژتات نیازهای انقلاب و نیاز مندنیهای امروز و فردای مین ما باشد.

برای آنکه ذهن کوردگان ما از مسیر انقلاب ضد امپریالیستی و دگرگانی منحرف نشود و شور انقلابی کوردگان و نوجوانان همنانک با تمیق انقلاب، عمق و گسترش یابد، باید پاکسازی

کوشش عناصر مشکوک برای ایجاد تشنج

عدای از عناصر مشکوک روز جمعه ۳ اسفند، برای ایجاد اغتشاش در برابر کیوسک نشریات حزب توده ایران مستقر در مقابل لانه جاسوسی آمریکا گرد آمدند. این عناصر مشکوک قصد ایجاد درگیری داشتند، که با خونسردی مسئولین کیوسک از ایجاد تشنج جلوگیری بعمل آمد. این عده سپس به طرف کیوسک دیگری رفتند تا نقشه خود را آنجا اجرا کنند، ولی چندتن از ژنیاسداران محافظ جاسوسخانه از کار آنان ممانعت بعمل آوردند. یکی از این یاسداران گفت: «ما به هیچکس اجازه نمیدهیم در جلو جاسوسخانه ایجاد هر چه مرج کند، چون امکان توطئه چینی ضد انقلاب و حمله به جاسوسخانه وجود دارد.»

مردم - این عیاری موجب تقدیر است. در عین حال ما امیدواریم که این عناصر مشکوک و اخلاک شکناسانی شوند و بمجازات اعمال ضد انقلابی خود برسند.

منتشر شد:

مادر نامه

مریم فیروز

آمریکا!

آمریکا!

مجموعه شعر

سیاوش کسالی (فرهزاده آور)

تصحیح و پوزش

«کانون دانش آموزان ایران» «مردم» اطلاع داد که بریاکننده نمایشگاه جنایات امریکایی کوردگان (که به اشتباه در مردم» شماره ۱۷۶، سازمان حزب توده ایران در کرمان، اعلام شده بود)، «کانون دانش آموزان ایران» بوده است.

«مردم» ضمن تصحیح خبر خود، با پوزش اعلام می کند که علت وقوع اشتباه، کس خیر از طریق تلفن رسوه تفاهم ناشی از آن بوده است.

از آنجا که بیسوادی در سطح کشور بیش از ۶۵ درصد و در مناطق روستایی بیش از ۸۰ درصد است، جمهوری اسلامی ایران باید توجه عاجلی به این معضل بزرگ اجتماعی معطوف دارد و کلاسهای سواد آموزی را در سراسر شهرها و روستاها سازمان دهد. نسبت زنان بیسواد، بعلت فقر خانوادها و سنت های زیان بخش گذشته، بمراتب بیش از مردان است. برای برگردن این فاصله، بیکار مونی با این پلایه اجتماعی و مبارزه با موانع گوناگون که در این راه وجود دارد، باید بویژه مشله سواد آموزی زنان مدنظر قرار گیرد و در سراسر کشور امکانات مساعد فراهم شود.

توجه به ورزش که برای سلامت تن و روان مردم از اهمیت فوق العاده برخوردار است، از وظایف اولیه است. مدارس ما باید برای تربیت جوانان با روح علاقه به ورزش آماده و مجهز شوند و باشگاهها و تاسیسات ورزشی توسعه یابند.

در دبستانها و دبیرستانها باید محیط آزادی بیان و عقاید و نظریات گوناگون تأمین شود. کوردگان تنها در جریان یک گفت و شنود خلاق و سازنده نمیتوانند با کتاب گوناگون سیاسی و فلسفی آشنا شوند، قدرت انتخاب پیدا کنند و سره راز ناسره بازشناسند. ممنوعیت بحث سیاسی و رفتنی عقاید دانش آموزان و مریمان شایسته جمهوری جوان ما نیست و نباید اجازه داده شود که از لایه نکتتبار رژیم استبدادی شاه مخلوع در محیط مدارس به حیات خود ازانم دهد. شوراهای مدارس و اتحادیه های دانش آموزان دونهاد ضروری برای تأمین حقوق دمکراتیک کوردگان و نوجوانان ما در محیط تحصیلی است. در شوراهای مدارس، دانش آموزان اسکان خواهند یافت که با انزام نمایندگانی منتخب خود به شوراهای در اداره امور مدرسه خویش مشارکت داشته و صاحب نظر باشند و در اتحادیه های دانش آموزان، که سازگاری مرکب از دانش آموزان یک مدرسه است، برای دفاع از حقوق منفی و تحصیلی خود فعالیت کنند.

در انجام با ایجاد کتابخانه ها و قرائتخانه های دولتی عمومی در سراسر کشور و حق استفاده رایگان برای تمام مردم، باید به اعتلاء سطح سواد و فرهنگ عمومی کمک کرد.

برنامه نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورایی برای آموزش و پرورش تجدیدنظر اساسی در نظام آموزشی کشور، نخستین شرط برای رو بیدن مظاهر فرهنگ استعماری و «آریامهری» از مین ماست.

متوسطه نیز باید در سراسر کشور تعمیم پذیرد، تا بلیوتیا کودکی که در پشت درمدراس مانده اند و یا امکان ادامه تحصیل نیافته اند، امکان آموزش برایشان فراهم گردد.

هدف آموزش راهنمای تحصیلی باید آن باشد که با سنجشی استعداد دانش آموزان و هدایت آنها برای انتخاب رشته تحصیلی، کادر مورد نیاز کشور در رشته های گوناگون، طبق برنامه صحیح در سطح کشور فراهم شود.

به آموزش حرفه ای با هدف تاسیس کادر تخصصی فنی در رشته های صنعتی، کشاورزی، آموزشی، اداری و خدمات باید توجه خاصی مبذول شود و با بسط شبکه مدارس حرفه ای در شهرها و روستاها، با ایجاد مراکز سیار آموزش حرفه ای، با تشکیل دوره های آموزش کوتاه مدت بر حسب نیاز مین و با تربیت کادر مربی حرفه ای، این منظور تحقق پذیرد.

آموزش متوسطه، که وظیفه آماده ساختن نوجوانان ما برای ازانم تحصیلات عالی بر عهده دارد، باید هم از نظر کیفی هم از نظر کمی بهبود یابد و کادر آموزشی علمی و فنی آن تأمین گردد. در عرصه آموزش و پرورش باید بویژه به مناطق عقب نگاه داشته شده مانند شهرهای کجک، روستاها و مناطق مرزی، که دچار تبعیض فرهنگی بوده اند، توجه کرد.

برای خلق و اقلیتی ملی باید مستقر فرهنگی ملی ایجاد شود و آنها اسکان یابند که از کودکی به زبان مادری خود بیاموزند و سخن گویند.

آموزش ابتدایی از طرف جمهوری اسلامی ایران برای تمام کوردگان باید اجباری اعلام شود.

برنامه نامزدهای حزب توده ایران در انتخابات مجلس شورایی برای آموزش و پرورش تجدیدنظر اساسی در نظام آموزشی کشور، نخستین شرط برای رو بیدن مظاهر فرهنگ استعماری و «آریامهری» از مین ماست

در سیمای وزارت آموزش و پرورش و در میان کادر آموزشی این وزارتخانه انجام گیرد. مدیران، آموزگاران، دبیران و کارمندان، که تبلیغ گر نظام منسوخ شاهنشاهی، انقلاب سفید و پرستش کیش شخصیت محمدرضا پهلوی بوده و در این عرصه شلتاق کرده اند، از کار برکنار شوند و جای آنها را کسانی گیرند که مومنه انقلاب و حامل اندیشه های انسان دوستانه و مترقی اند. از آنجا که انقلاب ما، انقلابی در راستای دفاع از منافع زحمتکشان و قشرها و طبقات محروم و کم درآمد است، باید شهری به طور کلی ملقی شود و طبق اصول مصوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، آموزش از بدستان تادانشگاه رایگان اعلام شود و به فرزندان کارگران، کشاورزان و کارمندان و پیشه وران کم درآمد، کمک هزینه تحصیلی پرداخت گردد.

برای آنکه سلوح آموزشی در همه دبستانها و دبیرستانها یکسان شود، باید مدارس خصوصی به مدارس دولتی تبدیل گردند، تا همه کوردگان کشور، صرف نظر از میزان درآمد خانوادهاشان از آموزش برابر بهره گیرند.

ما شنباد میکنیم که شبکه آموزش و پرورش از کوردستان تا دانشگاه گسترش یابد؛ باید با ایجاد شبکه کوردستانها نه تنها در تپان و شهرهای بزرگ، بلکه در مناطق دور افتاده روستاها این اسکان را فراهم آورد که ما در آن شایه، اعم از کارگری و دهقان و کارمند، بتوانند کوردگان خود را به کوردستانها بفرستند. برای تحقق این امر میتوان با ایجاد دوره های کوتاه آموزشی و استفاده از هزاران دیپلمه بیکار برسان شایسته ای برای کوردستانها تربیت کرد. آموزش ابتدایی، راهنمای تحصیلی، حرفه ای و

جمع گرایی خواهد بود. با این شیوه حتی میتوان بر مانع بزرگ بیسوادی، که متأسفانه بسیاری از هموطنان ما هنوز دچار آنند، غلبه کرد. هر حزب و گروه ولایت موقتله میتوانند رنگ بایک علامت را بر کزیند و در سراسر کشور، هر کسی طرفدار آن حزب یا گروه بایست است، بره برنگ بیا علامت مزبور را به صندوق بیاندازد. این طرز در برخی کشورهای دارای بیسواد زیاد، مثل هند، عمل میشود و نتیجه خوبی داده است.

نتیجه اجرای این شیوه آن است که مجلس در راستای انقلاب و در تدارک خطاهام خواهیم داشت، که در آن برخورد سالم آرا و افکار و تبادل نظر و عقیده تأمین میشود و بهترین پیشنهادها و نظریات را، از هر سو که باشد، بسود انقلاب و تحکیم مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گرد می آورد. بشارت دیگر، تنها در این صورت مجلس شورایی به نمایندگی واقعی کلیه نیروهای که در خط انقلاب قرار دارند، بدل خواهد شد. در چنین مجلسی افکار و عقاید همه نیروهای انقلابی بطور سازنده و سالم با هم تاقی خواهد کرد و نظور کما شایسته انقلاب بزرگما و در خود جمهوری اسلامی ایران است، بهترین طریق سازندگی و پیشرفت اجتماع را در هر مورد پیدا خواهد کرد.

برای قبول و بکار بستن این نظریه عادلانه و منطقی، که در جهت انقلاب است، هنوز وقت باقی است. رئیس جمهور و شورای انقلاب فرصت دارند تا در عمل و از طریق تغییر سیستم موجود انتخاباتی، نه فقط عدالت و سحت انتخابات، بلکه وحدت و مشارکت نیروهای متنوع و سرکوب نیروهای ضد انقلابی را، که در ایجاد تفرقه و تشنج و تاراضی تراضی نفع دارند، تأمین کنند.

ده هزار رای کافی برای داشتن اکثریت خواهد بود. اگر قانون موجود تغییر نکند، پس از انتخابات معلوم خواهد شد که هر نماینده ای معرف چند رای دهنده است و تفاوت سطح و تمیض فاحش ناشی از سیستم کنونی مینر خواهد شد. بنظر ما لازمست طوری قانون انتخابات تدوین شود که شایسته انقلاب بزرگ مینر و ما در خود بلوغ سیاسی مردم ما باشد. یعنی، اولاً - بهمه احزاب و سازمانهای سیاسی نه تنها اجازه شرکت در انتخابات، بلکه امکان واقعی حضور و مشارکت - به نسبت اعتبار و نفوذشان در جامعه - در مجلس شورا داده شود، تا بتوانند بر نامه ها و پیشنهاد های خود را در همه موارد عرضه کنند و نظر و عقیده آن بخش از مردم را، که نماینده آنها هستند، منعکس نمایند. بدین منظور لازمست که به تناسب آرای که هر حزب و گروه بایست انتخاباتی در سراسر کشور بدست می آورد، به آن احزاب و گروهها و کوروهایی که نماینده حق نمایندگی داده شود.

ثانیاً - احزاب و سازمانها ولستهای گروهی یا اقلیت، هر یک باید فهرست کامل کاندیدهای خود را، به ترتیبی که خود مقدم و موخر می گردند، عرضه دارند و به تناسب آراء بدست آمده از آغاز فهرست، نامزدهای مربوطه ازین آنها به نمایندگی مجلس برگزیده شوند. مثلاً اگر حزب بی در سراسر کشور حتی ۱۰٪ آراء را آورد، ۲۷ کرسی در مجلس داشته باشد، نه اینکه حذف شود این افراد، بیست و هفت نفر اول فهرست معرفی شده توسط آن حزب خواهند بود. اگر حزب ۶۰٪ آراء را بدست آورد، ۱۶۲ نماینده داشته باشد، نه کلیه ۲۷۰ کرسی مجلس را.

این شیوه عادلانه دارای نواید جنبی دیگری نیز خواهد بود. مثلاً امکان میدهد تا گروهها و احزاب بتوانند به وحدت نظر قبلی بر سندن و فهرستهای واحد و ائتلافی عرضه کنند. این شیوه مروج حسن همکاری و توافق بر سر یکرشته اصول برنامه ای و مشوق حزبیت و

نظر ما، درباره انتخابات...

بقیه از صفحه ۱
موجود اجازه نمیدهد که همگی آنها بیخ شوند و کلیه امکانات انسانی و سازمانی و استعدادهای و داناتیهای خود را در خدمت امر انقلاب، قرار دهند.

قانون انتخابات موجود مشکلی به اکثریت مطلق و بعبارتی درمحل های است و نیروهای مختلف انقلابی و خلقی را، که دارای اکثریت قاطع نباشند، خود بخود حذف میکند، اقلیت های سیاسی را بکلی نادیده میگذارد و راه را بر انحصار میگشاید. تقریباً همه احزاب سیاسی و مکتبها، هر چند انقلابی و مترقی و حامی زحمتکشان به علل مختلف و ملی جریان تاریخی مشخصی، امکان یافته اند که بویژه در شهرهای بزرگ دارای نفوذ مینعی باشند. کتر امکان میورد که آنها بتوانند از حوزه های انتخاباتی که با چند نفر رای دهنده، نمایندند به مجلس میفرستند، کاندیدای خود را به اکثریت مطلق برسانند. ولی طبق قانون موجود انتخاباتی بر تارکند که نیز حتی با سندن رای و در تهران شایه با چند صد نفر رای هم نمیتوان به مجلس راه یافت. قانون موجود انتخاباتی این صدها نفر رای دهنده را، کور شهرهای بزرگ با زهم در اقلیت خواهند بود، در نظر نمی گیرد. در نتیجه این بخش از مردم کشور ما نمیتوانند نماینده ای به مجلس بفرستند. این یک بی عدالتی است.

طبق قانون موجود انتخاباتی، در تهران بیش از دویلیون رای دهنده میتوانند در انتخابات شرکت کنند و در مرحله اول کاندیدها برای انتخاب شدن باید بیش از یک میلیون رای داشته باشند. بدین ترتیب کاندیدهای احزاب کوچکتر حذف میشوند. حتی اگر حدود صدها نفر رای داشته باشند. و این در حالی است که در اکثریت مناطق، که یک نماینده به مجلس می فرستند، تنها چند

با تکیه به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کوردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین

